

رسمیایه وضع شود و در این خصوص کسی مخالف نیست .
قسمت دیگر راجع به ۵۰۲۰۰ تومان است که ایشان فرمودند خوب است مجلس از این مبلغ کسر نموده و به پیشنهاد دولت رأی بدهد در این موقع میخواهم يك رفع اشتباهی کرده باشم و آن این است که اگر آن نظریه را که حضرت والا دارند در موضوع این پیشنهاد ملحوظ میشد کمیسیون بودجه هم موافق بود و از آن کسر نمیشود و همانطور که می فرمایند اگر این مبلغ بعنوان مدد معاش و کمک باطفال فقرا داده میشد البته کمیسیون بودجه از کسر آن مرتکب قصوری شده بود ولی ایشان باید بدانند که فقط (۲۷۰۰) تومان از این مبلغ بصرف کمک معاش محصلین بی بضاعت میرسد و مابقی یعنی (۲۳۲۰) تومان دیگر بموجب تصویب نامه های علیحدہ با شخص داده میشود که ابدأ احتیاج نداشته و شخصاً میتوانند متکفل مخارج تحصیل اولادشان باشند

بنابر این بعقیده بنده اگر بماده نظامنامه داخلی متثبت شویم و در موقع اخذ رأی نسبت باین ماده رأی ندهیم و مجبوراً پیشنهاد دولت تصویب شود در واقع همان تصویب نامه را بقتله قبول نموده ایم و در این صورت نظریه حضرت والا کاملاً برخلاف اجرا خواهند شد ولی ممکن است فعلاً پیشنهاد کمیسیون بودجه را تصویب نمود و بعداً دیگر برای این کار فکر کردینا بر این حضرت والا را متذکر می کنم باین نکته که بهترین طریق برای کمک به محصلین فقیر و بی بضاعت تأسیس مدارس شبانه روزی است که ما باید وزارت معارف را مجبور کنیم هر چه زودتر این مؤسسه عام المنفعه را تأسیس نماید و این قضیه خیلی بهتر از این خواهد بود که ما ۵۰۲۰۰ تومان را تصویب نمائیم که وزارت معارف بهر طفلی که بنظرش فقیر و بی بضاعت آمد سه یا چهار قران بدهد و گمان می کنم دولت هم حاضر باشد در این خصوص پیشنهادی نماید بنابر این خواهش می کنم از مسئله تجزیه و تفکیک که اسباب طول مدت می شود و بالاخره بهمان حالت اولیه عودت می کند صرف نظر فرمائید .

رئیس - هفده هیجده نفر اجازه خواسته اند بملاوه پیشنهاداتی زیادی هم رسیده در صورتیکه مدتی از شب گذشته است
اگر آقایان موافق باشند بقیه مذاکرات بجلسه آینده محول شود
جلسه آینده پس فردا یکساعت بغروب مانده و دستور بقیه مذاکرات در راپورت کمیسیون بودجه خواهد بود .

حاج شیخ اسدالله - بنده پیشنهاد می کنم دوساعت بغروب معین شود
شیخ اسلام اصفهانی - البته در صورتی که آقایان زودتر تشریف بیاورند خوب است دوساعت بغروب معین گردد
رئیس الوزراء - در جلسه گذشته آقای آقاسید محمد تقی طباطبائی راجع باهانه ارومیه از

بنده سؤالاتی فرمودند و من هم وعده دادم در این جلسه شرح آن را عرض کنم اینک صورتی از آن حاضر است قرائت میشود

- محاصل عایدات اهانه ۱۱۲۱۷۰ تومان
 - مخارج ارسالی ارومیه ۳۸۱۸۱ »
 - ارسالی به تبریز برای ارومیه ۱۸۰۰۰ »
 - قرض به مهاجرین گیلان ۱۰۰۰۰ »
 - مخارج متفرقه ۲۲۰ »
 - برای مهاجرین ارومیه در طهران ۱۰۰۰ »
 - جمع کلیه مخارج ۶۷۴۰۱ »
- مابقی که جزه موجودی محسوب است (۴۴۷۶۸۰) تومان که (۴۴۶۶۴) تومان آن در تجارخانه طومانیان و ۱۰۳ تومان در بانک شاهنشاهی موجود است .

رئیس - آقایانی که معتقدند جلسه دوساعت قبل از غروب تشکیل گردد قیام فرمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - جلسه آتی روز شنبه دوساعت قبل از غروب و دستور آن اولاً بقیه شور در راپورت کمیسیون بودجه و ثانیاً قانون تفریح بودجه مجلس راجع به سینه توشقان ثیل و پنج سال دوره فسترت .

(مجلس سه ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)
مؤتمن الملک

**جلسه شصت و شش
صورت مشروح مجلس یوم ۳ شنبه
نهم جمادی الاولی ۱۳۴۰
مطابق هیجدهم دلو ۱۳۰۰**

مجلس یکساعت قبل از غروب بر ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید

صورت مجلس یوم پنجشنبه سیزدهم دلو را آقای تدین قرائت نمودند
رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - بنده بکلی مخالف با اهانه - دادن بمدارس خارجه نبودم عرض کردم اگر تطیع پروگرام وزارت معارف هستید علت ندارد بآنها اهانه داده شود
رئیس - آقای نظام الدوله (اجازه)

نظام الدوله - آقای سدید الملک را در صورت مجلس غائب بدون اجازه نوشته اند در صورتیکه آن روز موقعی که بنده بمجلس می آمدم آقای سدید - الملک را در راه دیدم دندانان درد می کرد و به دندانساری می رفتند بینده فرمودند اطلاع بدهم و بنده فراموش کردم
رئیس - آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

آقاسید یعقوب - بنده و آقای آقا میرزا -

ابراهیم قمی و حائری زاده را در صورت مجلس در يك ردیف مخالف با وزارت فوائد عامه نوشته اند در - صورتیکه بنده مخالف با اصل وزارت خانه نبودم و فقط آقایان حائری زاده و آقا میرزا ابراهیم قمی مخالف بودند بنده عرض کردم که وزارت فوائد عامه خیلی لازم است ولی با طرز اداره کردن آن مخالفم در این صورت اگر ما سه نفر را در يك ردیف قرار بدهند بنده صحیح نمی دانم و باید اصلاح شود
رئیس - دیگر اعتراضی نیست ؟ (اظهاری نشد)

رئیس - صورت مجلس با این سه فقره اصلاح تصویب شد راپورت شنبه سوم راجع باعتبار نامه آقای حاج مخبر السلطنه جزء دستور است ولی جمعی از آقایان تمایز کرده اند که از دستور خارج شود تقاضا نامه قرائت می شود بعد رأی میگیریم (آقای تدین بمضمون ذیل قرائت نمودند)
مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی دامت شوکتة العالی

نظر باینکه با اوضاع کنونی آذربایجان مذاکره در باب اعتبارنامه آقای حاج مخبر السلطنه و مخالفت آقایان نمایندگان با آن برخلاف مقتضیات و اطلاعات است امضاء کنندگان ذیل استدعا دارند اعتبار نامه مزبور از دستور امروز خارج فرموده و پس از این که با اوضاع فعلی آذربایجان ترتیبی داده شد مطرح فرمایند

یانزدهم دلو ۱۳۰۰
قدین - بامضاء هفده نفر است
رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - اگر مقصود از مخالفت آقایان نمایندگان فقط مخالفت آقای آقاسید یعقوب است که بنده عرضی ندارم ولی اگر مرادشان این است که مخالفین زیاد ترند یعنی نمایندگان در موضوع نمایندگی آقای حاج مخبر السلطنه یکدسته موافقت دارند و دسته دیگر مخالفت دارند بنده عرض می کنم که همه موافقین و مخالفین هنوز معلوم نشده و از ظاهر عبارت این پیشنهاد چنین مفهوم میشود که عده مخالفین و موافقین هنوز معلوم و معین است و حال آنکه معلوم نیست غیر از آقای آقاسید یعقوب دیگری مخالف داشته باشد

رئیس - آقای نظام الدوله (اجازه نطق)

نظام الدوله - بنده اصلاً عقیده ام این است که بهیچوجه این مذاکرات جریان پیدا نکند بجهت اینکه ممکن است یکدسته بعضی مطالبی داشته باشند که حالا مقتضی نباشد اظهار کنند لذا گمان می کنم همانطوریکه پیشنهاد شده بهتر این است از دستور خارج شود

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه نطق)

سلیمان میرزا - در این پیشنهاد يك جمله نوشته شده که بنده معنی آنرا خوب ملتفت نشدم :

اگر ممکن است یکی از آقایان توضیح بدهند در پیشنهاد نوشته اند که چون مخالفت با اعتبارنامه ایشان برخلاف مقتضیات وقت و اوضاع فعلی است (بنده نمی فهمم مخالفت با اعتبارنامه يك و كیل چه ربطی با اوضاع فعلی و مقتضیات وقت دارد اگر مدرک این پیشنهاد همین است که ذکر کرده اند بنده نمی یستمند زیرا همیشه نمی توانیم در هر مطلبی اظهار عقیده کنیم ولی اگر مطلب دیگری است که بنده نمیخواهم والا البته هر نماینده می تواند تقاضا کند يك مطلبی از دستور خارج شود یا يك مطلبی جزء دستور شود .

رئیس - آقای فهیم الملک (اجازه نطق)

فهیم الملک - مقصود این نه بوده است که دلیل مخالفت را مقتضیات وقت قرار دهند بلکه مقصود این بوده است که مخالفت با آن اعتبارنامه صحیح نیست و یکی از دلایل تمویق را خواستند مقتضیات وقت قرار دهند بنابراین تقاضا شده است که عجالاً رسیدگی به اعتبارنامه ایشان از دستور خارج و موکول به بعد شود

رئیس - نسبت به این تقاضا نامه رأی می گیریم آقایانی که تصویب می کنند اعتبار نامه آقای - حاج مغیر السلطنه عجالاً از دستور خارج شود - قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد رایورتنی است از عصبه ششم راجع بنمایندگی آقای حاج میرزا عبدالوهاب از همدان (آقای آقا سید یعقوب احضار برای قرائت رایورتن)

رایورتن مزبور را (آقای آقا سید یعقوب شرح ذیل قرائت نمودند
شرح جریان انتخابات شهر همدان و اسد آباد و حوزهای تابعه بنحوی هست که بعرض مجلس مقدس میرسانم .

در تاریخ ۲۲ شهری حجة الحرام ۱۳۳۰ بر حسب امر صادره از مرکز حکومت همدان جمعی از معتمدین اهالی را برای انتخابات دونفر نماینده بدار - الحکومه دعوت می نمایند و امر مرکز را با اهالی تبلیغ و برای تشکیل انجمن مرکزی مطابق قانون انتخابات دستور داده می شود در روز چهارشنبه ۲۴ اعضاء انجمن مطابق نظام نامه معین اعلان انتخابات با اعضاء اعضاء انجمن رسانیده می شود که از روز ۱۷ محرم ۱۳۳۹ تا روز ۲۴ برای دادن تفرقه و از روز ۲۹ تا چهارم صفر برای اخذ آراء معین می شود شش شبهه هم برای بلوکات تعیین می نمایند در موقعیکه قرار داده شده عمل نمایند و اخذ آراء شود صورت جداگانه

هر يك مضبوط است مطابق اعلان منتشره اعضاء انجمن از روز ۲۹ شروع با اخذ آراء می نمایند روز اول ماه صفر از حکومت جلیله بتوسط نظمی امر می شود که بر حسب

امر صادره از مرکز باید انتخابات توفیق تا مأمور مخصوص بنویسد تمام دفاتر و کتابچه ها و صندوق بهر اعضاء انجمن مقل نموده در اداره حکومتی توفیق می شود صندوق اسد آباد تحویل اداره ژاندار مری می نماید و پس از دو سه روز مرحوم بقا الملک بعنوان مأمور مخصوص انتخابات وارد می شود بدوسی و اسناد و کتابچه ها مراجعه می نماید موافق تلگرافاتی که در دوسه کابینه ریاست و زراعت ملاحظه می شود از مرکز استفسار می شود که کاندیدو کالت چه اشخاصی هستند مرحوم بقا الملک رمزاً اشخاصی را که فعلاً حائز اکثریت هستند اطلاع می دهد و تلگرافاً از جریان انتخابات شکایات می نماید که این انتخابات مبتنی بر تهدید و تطمیع بوده و باید تجدید شود بدون اینکه در دوسه سند دلیلی برای این مدعی دیده شود

پیشنهاد می کند که از مرکز امر شود که در شهر باید انتخابات تجدید شود اهالی بلوک بیایند و در شهر تفرقه بگیرند و برای اینها تشکیل انجمن بدهند اهالی از این مسئله شروع بشکایت می نمایند که این امر مخالفت قانون و ظلم است که از چند فرسخ در این زمستان سخت بشهر بیاییم از مرکز امر می شود که در همانجا انجمن تشکیل و تفرقه داده شود بقا الملک این امر را رد نماید و در مقام معارضه بر می آید که این اقدام برخلاف دستور بوده و باید مطابق همان پیشنهاد خلاف قانون که تجدید انتخابات باشد همراهی نمی کند چندی طول می کشد بقا الملک اجازه آمدن به مرکز می خواهد و امر انتخابات آنجا بحال وقفه باقی میماند تا در ماه ربیع الثانی ۱۳۴۰ در کابینه آقای قوام السلطنه از وزارت جلیله داخله امر می شود بحکومت همدان که

اعضاء انجمن را حاضر و انجمن مرکزی تشکیل بهم انجالی که بوده خانه دهند از روز ۱۴ شهر ربیع الثانی تاروز ۲۱ در شهر شروع بقرائت آراء نموده پس از خانه آراء نتیجه این می شود که آقای حاج میرزا عبدالوهاب در مرتبه و درجه اول حائز اکثریت می گردند و ۱۳۳۹ رأی منتخب میشوند انجمن هم مراعات کفایت قانونی نموده و در موقع مقرر برای استماع شکایات وارده جلسه خود را امتداد می دهند شکایتی که قابل توجه باشد در دوسه یافت نشد شنبه ۶ پس از قرائت دوسه اکثریت صحت جریان انتخاب و صلاحیت منتخب را تصدیق می نماید

رئیس - نسبت باین رایورتن مخالفی هست یا نه ؟

سلیمان میرزا - بنده با اطلاعاتی که از همدان بدست آورده ام ببا این رایورتن کاملاً مخالفم .

رئیس - پس جزء دستور جلسه پنجشنبه میشود دوقره پیشنهاد از طرف دولت رسیده یکی تقاضای ۲۱۴۰ تومان راجع به خراج تأسیس مخازن گمرکی در بندر قشم و دیگری راجع ببرقراری یکصد تومان

مستمری درباره ورثه مرحوم آقا شیخ محمد جواد اولی بکسیسیون بودجه ارسال میشود

آقا میرزا محمد نجات - راجع بوزن مرحوم آقا شیخ محمد جواد چاپ شده است

رئیس - عرض کردم اولی به کمیسیون بودجه ارسال میشود چون اعلام نشده بود اول باید اعلام شود بعد به کمیسیون برود فعلاً قانون تفریح بودجه یکساله توشقان نیل مجلس مطرح است

(آقای تدین بشرح ذیل قرائت نمودند)
ماده واحده - مخارج مجلس شورای ملی از باب ۱۲ ماهه سنه توشقان نیل ۱۲۹۶ موافق ماده ۱ ضمیمه ۱ و برطبق بودجه مصوبه مورخه نهم سنبله سنه ۱۳۰۰ بمبلغ هشتاد و نه هزار و هفتصد و شانزده تومان و سه قران و نهصد دینار که از وزارت مالیه دریافت شده تصویب و تفریح میشود

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)
حاج شیخ اسدالله - البته آقایان در نظر دارند در دوره سوم موقعیکه بودجه یکساله از مجلس گذشت يك حقوقی متساویاً برای نمایندگان معین شد در ضمن حوادث و انقلاباتی که در این مملکت پیش آمد مجلس تعطیل گردید عده از آقایان نمایندگان مهاجرت وعده که در تهران توقف کردند و يك حقوقی هم مرتباً تا وقتی مجلس مفتوح بود بنمایندگان داده شد حالا از این رایورتنی که آقای ارباب داده اند و همچنین از توضیحی که در یکی از جلسات دیگر فرمودند معلوم می شود بعد از تعطیل مجلس نسبت بحقوق نمایندگان تبعیضی شده یعنی بر حسب تصویب نامه های دولت های وقت يك حقوق مختلفی به نمایندگان داده شده است .

اگرچه آقای ارباب کیخسرو در این خصوص مسئولیت ندارند زیرا این تبعیض و اختلاف بر حسب تصویب نامه ها و تصمیمات دولت بوده و به ایشان ربطی نداشته است لیکن از آقای ارباب کیخسرو تقاضا می کنم صورت آن تفاوتی را که آقایان نمایندگان گرفته اند بفرمایند تا ببینیم چه اشخاصی زیاد حقوق گرفته اند و به کی ها کمتر داده اند

حالا که با بصیرت این معاسیه می خواهیم رأی بدهیم اولاً خیلی از آقای ارباب کیخسرو تشکر داریم که حساب ایشان در کمال سعادت و تمام نمایندگان از ایشان کمال رضایت را دارند که حقوق اجزاء مستخدمین مجلس را در دوره فترت رسانیده اند و ترتیبات اداری مجلس را با کمال خوبی به يك طوری نگاهداری کرده اند و نگذارند مستخدمین و ترتیبات مجلس از بین برود اگرچه حقوق مستخدمین را دولت های وقت ملاحظه نکردند ولی علی ای حال بنده فعلاً این نظر را دارم که چون در آن دوره حقوق نمایندگان را به تساوی تصویب کردیم حالا که می خواهیم تفریح کنیم و رای قسمت این معاسیه بدهیم چون بعضی از نمایندگان پنج شش برج زیادتر از دیگران حقوق گرفته اند آیا باین ترتیب می توانیم رأی بصیرت این معاسیه بدهیم یا خیر ؟

بنده سؤال می کنم که آقایان نمایندگان حق دریافت این حقوق را داشته اند یا نداشته اند ؟ اگر حق داشته اند چرا بعضی گرفته اند و بعضی نکرده اند و اگر این اضافه که گرفته اند بعنوان حقوق نمایندگی بوده پس چرا جزو حساب مجلس نوشته شده است ؟

آقا میرزا ابراهیم قمی مخبر کمیسیون محاسبات - کلیه نمایندگان از مهاجر و غیر مهاجر تا آخر برج عقرب سنه توشقان نیل کلیه حقوق هفت ماهه خود را دریافت کرده اند ولی بعد از مهاجرت و تعطیل مجلس بعضی از آقایان نمایندگان بر حسب تصویب نامه دولت هر نفری یا نصف تومان اضافه گرفته اند و بعضی دیگر نکرده اند حالا اگر عقیده آقای حاج شیخ اسدالله این است که به اشخاصی هم که نکرده اند باید داده شود آن مسئله دیگری است البته بنظر مجلس است و چنانچه صورت اسامی اشخاص را بخواهند حاضر است .

رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه نطق)
ارباب کیخسرو - راجع بسؤال آقای حاج شیخ اسدالله همان قسم که فرمودند اداره مباشرت موظف بوده است که مطابق بودجه مصوبه مجلس از دولت پول بگیرد و به نمایندگان به پرداخت و البته از نظرشان معوض شده که در ۱۳ قوس پارسی نیل موقع افتتاح مجلس سوم بوده و تقریباً در اواخر برج عقرب توشقان نیل مجلس بحال تعطیل افتاد در آن موقع اگر چه عده زیادی از نمایندگان بیکار و معطل بودند و حقاً می بایستی مطابق بودجه مصوبه مجلس اداره مباشرت حقوق آنها را از دولت بگیرد و بپردازد ولی دولت های وقت صلاح ندانستند از این بابت چیزی تأدییه کنند و فقط تا آخر برج عقرب آن سنه مقررری آقایان را به اداره مباشرت دادند و اداره مباشرت بموجب اسناد خرجی که کمیسیون محاسبات ملاحظه کرد تماماً پرداخته است پس از آن در برج اسدلولی نیل که دقمه اول رئیس الوزرائی آقای وثوق الدوله بود بدون این که از اداره مباشرت درخواستی صادر شده باشد خودشان مبلغ ۵۰۰۰ تومان نقداً به اداره مباشرت باسم یکمده از نمایندگان پرداختند و نوشته بودند نظر باینکه این عده از نمایندگان از محل خود خارج شده و در اینجا راه معاش ندارند بهر کدام یا نصف تومان پرداخته شود - این چیز فوق العاده بود که رئیس دولت وقت خودش بعنوان اشخاص معینی داده بدون اینکه هیچگونه درخواستی و یا تقاضائی از اداره مباشرت صادر شده باشد و از اداره مباشرت هم مطابق همان دستوریکه آقای وثوق الدوله داده بودند بهر کدام یا نصف تومان پرداخت و رسید آثر هم گرفته و در اداره مباشرت ضبط است ولی در واقع شش هزار و یا نصف تومان بوده است ولی آن وجهی که به اداره مباشرت پرداخته شد ۵۰۰۰ تومان بوده اظهار داشتند که ۵۰۰۰ تومان هم آقای عدل الملک که یکی از نمایندگان بودند مستقیماً گرفته اند اما چون هیچگونه سندی از ایشان بدست آمده مباشرت نیامد که ثابت شود که این وجه به ایشان رسیده و از این جهت

این مبلغ جزو حساب اداره نیامده است . از این پنج هزار و یا نصف تومان بخواوانده سفره از آقایان نمایندگان مهاجر یعنی بخواوانده آقایان مساوات و تنکابانی و دهخوارقانی داده شده ولی نه از بابت فوق العاده بلکه از بابت مقرری سابقشان که طلب داشتند باقی ماند پنج هزار تومان که به اشخاص ذیل نفری یا نصف تومان داده شد .

آقای حاج شیخ محمد حسین یزدی . آقای مؤید الاسلام کرمانی . آقای آصف العمالك . شاهزاده مرآت السلطان . آقای حاج میرزا حسین کرمانشاهانی . آقای آقا شیخ محمد نغمی . آقای آقا شیخ ابراهیم زنجانی . آقای آقا سید اسدالله قزوینی . آقای حاج فضلعلی آقای قزوینی . آقای آقا سید اسدالله چهارسوقی این ده قسمت بود که پرداخته شده و يك قسمت هم در همین در برج حوت به آقای ملک اشعرا پرداخته شده اگر چه برای دریافت این پنج هزار و یا نصف تومان اداره مباشرت بعداً درخواستی صادر نکرده بود و فی الحقیقه وجهی بود که از خارج به آنها رسیده است ولی چون توسط اداره مباشرت پرداخته شده بود از این جهت جزو حساب اداره مباشرت آمده است .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه نطق)
سید یعقوب - بنده نفهمیدم شرح دادن این که از دوره فترت آقای وثوق الدوله شش هزار تومان داده است در این جا چه مورد دارد بجهت اینکه این کار در دوره فترت بوده است و ما که فعلاً می خواهیم عملیات زمامداران دوره فترت را در تحت مذاق و معاسیه بیآوریم يك اشخاصی در دوره فترت يك پولی گرفته اند ولی نقداً مذاکره در آن موضوع از عمل ما خارج است .

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)
محمد هاشم میرزا - بنده می خواهم عرض کنم که هر چه مجلس تصویب کند و هر لایحه را که بمجلس بیآورند تصویب شود البته خارج از موضوع نخواهد بود چه راجع بگذشته باشد چه راجع به آینده ولی بنده این مطلب را می خواهم عرض کنم که سه وقتاهم نشود در آن وقتی که آقایان این مبلغ را باسم مساعدت گرفتند قبلاً مذاکره شد که آقایان نمایندگان که چیزی ندارند کاغذی بنویسند که بابت حقوق یا بعنوان مساعدت بآنها پولی داده شود آن کاغذ را آوردند که بنده هم امضاء کنم بنده امضاء نکردم زیرا در آنجا نوشته بود (از جهت فقر واضطرار) ما گفتیم اگر حقوق است باید بطور تساوی بعموم نمایندگان داده شود و اگر حقوق نیست مافقر نیستیم و این وجه را نمی خواهیم پس به این قاعده معلوم میشود که حقوق نبوده زیرا فقط به اشخاصی که لازم بود اعاشه کنند

رئیس - بعد از این توضیح آقایان مذاکرات را کافی میدانند ؟
(جمعی گفتند کافی است)
حاج شیخ اسدالله - اجازه میفرمائید رئیس - رأی می گیریم که مذاکرات کافی است یا خیر . آقایانیکه مذاکرات را کافی می دانند قیام نمایند .

داده شد والا اگر حقوق بود مباشرت تمام افرادی که در آن زمان نماینده بودند بر حسب مقررات مجلس و قانون مصوبه آن دوره پرداخته شده باشد در این صورت مسلم است که این وجه ربطی به موضوع حقوق نداشته و يك مساعدت از طرف دولت وقت بوده است و اختصاص بهمان یازده نفر دارد و دیگران هم موقع نیستند

رئیس - مذاکرات در این خصوص سکنافی نیست ؟

(جمعی گفتند کافی است)
ملک اشعرا - بنده توضیحی دارم
رئیس - چه فرمودید ؟
ملک اشعرا - چون اسم بنده هم برده شده می خواستم توضیحی بدهم
رئیس - بفرمائید

ملک اشعرا - بمناسبت اینکه در ذکر جزو اسامی آقایانیکه بعنوان حقوق یا اعانه یا نصف تومان گرفته اند اسم بنده هم برده شده ناچارم قدری تصدیق بدهم . موقعیکه این وجه داده شد بنده در تهران نبودم و کابینه سیه سالار اعظم بنده را بخراسان تبعید کرده بودند و شش هفته ماه در خراسان بعنوان تبعید بودم بعد از آنکه کابینه وثوق الدوله روی کار آمد بنده را احضار کردند و هر چه تقاضا کردم که در شهر مشهد بمانم گریا از برای ایشان بودن بنده در مشهد محظوری داشت و اعتراضاتی می شد که بنده در آنجا بمانم بهر حال بنده را احضار بطهران کردند و در کالسکه به بنده پرداخته و بنده را حرکت دادند در آنوقت آقای مشاور السلطنه نایب الولا به مشهد بودند طهران هم که آمدم به بنده گفته شد که بهر يك از آقایان نمایندگان مستقیم تهران یا نصف تومان بعنوان حقوق و کالت داده شده است این بود که بوسیله آقای عدل الملک سیصد تومان دیگر هم به بنده داده شد که با آن دو بیست تومان سابق مجعوماً یا نصف تومان شدو

گفتند این یا نصف تومان از بابت حقوق و کالت است حالا آقای محمد هاشم میرزا میفرمایند که به بعضی داده شده و به بعضی داده نشده یا بنوعی دیگر بوده بنده خبر ندارم همینقدر برای اینکه بنده را در خراسان نگذارند بمانم و برای حکومت وقت معظورات سیاسی نداشته باشد بواسطه این حرکت دادن و یا از بابت حقوق سابقه این مبلغ از طرف دولت به بنده رسیده حالا بعنوان حقوق نمایندگان کی بوده یا نبوده به بنده مربوط نیست .

رئیس - بعد از این توضیح آقایان مذاکرات را کافی میدانند ؟
(جمعی گفتند کافی است)
حاج شیخ اسدالله - اجازه میفرمائید رئیس - رأی می گیریم که مذاکرات کافی است یا خیر . آقایانیکه مذاکرات را کافی می دانند قیام نمایند .

رئیس - بعد از این توضیح آقایان مذاکرات را کافی میدانند ؟
(جمعی گفتند کافی است)
حاج شیخ اسدالله - اجازه میفرمائید رئیس - رأی می گیریم که مذاکرات کافی است یا خیر . آقایانیکه مذاکرات را کافی می دانند قیام نمایند .

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - اکثریت است. حالاً نسبت بماده واحده با قیام و نمود رأی می گیریم آقایانکه ماده واحده را تصویب میکنند قیام فرمایند.
 (اغلب نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد. ماده واحده دیگری متعلق به مغارج ایام بین المجلسین است قرائت می شود.
 (آقای ندین بمضمون ذیل قرائت نمودند)
 ماده واحده - مغارج پنجساله مجلس شورای ملی در اوقات فترت از تاریخ اول حمل لوی بل ۱۲۹۵ الی آخرهوت پیچی بل ۱۲۹۹ موافق مواد ۲ الی ۶ ضمیمه ۱ و بر طبق احکام دولت های وقت ببلغ ۸۶۳۹۲ تومان بکهاز وسبب دینار که از وزارت مالیه دریافت شده تصویب و توزیع میشود
رئیس - نسبت به این ماده مخالفتی هست یا خیر؟
 (اظهار مخالفتی نشد)
رئیس - مخالفتی نیست. رأی می گیریم آقایان که این ماده را تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد.
 راپورت کمیسیون راجع به آقا سید فاضل جزو دستور نبوده ولی چون تقاضا شده است جزو دستور شود اگر مخالفتی نیست جزو دستور شود
 (مخالفتی نشد)
رئیس - آقای صدرالاسلام احضار برای قرائت راپورت
 (آقای صدرالاسلام راپورت مزبور را بمضمون ذیل قرائت نمودند)
 در موضوع نسبتی که درجریده ستاره ایران به آقای آقا سید فاضل داده و مجلس شورای ملی مقتضی دانست کمیسیونی برای تحقیق در صحت و مقوم موضوع تشکیل شود حسب المقرر کمیسیون منظوره تشکیل و نظر باینکه موضوع فقط نسبتی بود که در روزنامه ستاره ایران مندرج بود آقای میرزا علی خان صبا مدیر جریده مزبوره را دعوت و تقاضا شد اسنادی که در صحت آن نسبت دارند برای کشف حقیقت ارائه دهند آقای صبا اظهار داشتند چون سندی که درست است یکی از ذی امر های ادارات دولتی داده و قول گرفته اند تا اجبار قانونی الزام ننمایند آن سند را ارائه ندهند بعلاوه این کمیسیون را هم صالح برای قضاوت این امر نمی دانند باین جهت از دادن جواب و ارائه آن سند معذورند ولی در ضمن یک سلسله مذاکرات خصوصی از مراکز رسمی را که مربوط بوزارتین داخله و مالیه بود معرفی کردند عقیده شان این بود در صورت مراجعه بآن مراکز شاید کمیسیون از ضرورت تحصیل سند دیگر بی نیاز باشد واسامی اشخاص راهم متذکر شدند بنام علیه بر طبق اظهارات ایشان از مجرای رسمی اداره تقنیه مجلس بوزارتین معرفی ایما

مراجعه شد و بعد از معطلی ها و تکرار یادآوری بالاخره از وزارت داخله جوابی متضمن سواد راپورت اداره تأییدات نظمی رسیده است که تا حد تحقیقات خود نتوانسته اند در آن موضوع زبیه بدست آورند جواب وزارت مالیه نیز مبنی بر آن بود از اسم اشخاصی که برده شد تحقیقات کرده اند ولی اظهار بی اطلاعی نموده اند از طرفی هم دو طفری مکتوب مهیور بهر جماعتی از اخبارها رسیده بود که این نسبت را تکذیب نموده بودند لهذا چون کمیسیون در حدود وظیفه خود راهی دیگر برای تکمیل تحولات ندارد و با مراتب مذکور کشف صحت و سقم این امر منوط بمعاکه میباشد که از وظیفه کمیسیون خارج و موکول برای نمایندگان معترم است
رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه نطق)
سلیمان میرزا - روزی که این مسئله در مجلس مطرح شد در روزنامه تعیین نکرده بود که این نسبت متعلق بکدام يك از نمایندگان است باین جهت از طرف مجلس کمیسیونی تعیین شد که باین مطلب رسیدگی کرده مطلع شود که این نسبت متوجه بکدام يك از و کلاه است فردای آنروز خود روزنامه ستاره ایران تعیین کرد که این نسبت متوجه به آقای آقا سید فاضل است بنابراین اگر مطابق قانون اساسی بخواهند و کیلی را بعد از دعوت کنند باید از مجلس شورای ملی اجازه بخواهند حالاً اگر این راپورت از آن نظر نوشته شده است و مجلس میخواهد رأی بدهد برای این است که عدلیه داخل این موضوع خود این يك مسئله است آن وقت باید اصول راپورت طرز دیگر باشد چون بنده وظیفه خودم را در رأی نمیدانستم چیست و باچه باید موافق باشم یا به چه مخالف یعنی نمی دانم نتیجه برای چیست .
 آیا اگر رأی بدهیم اجازه داده ایم فردا آقا شریف ببرند عدلیه و یا آن کسی که این نسبت را در روزنامه درج کرده و با آن ذی امری که در اینجا نوشته شده در محکمه حاضر شوند و معاکه نمایند اگر مقصود این است که بنده موافقت خواهم کرد و رأی خواهم داد زیرا همانطوریکه کرا گفته ام منتها آرزوی من این است که يك وقتی بینم در این مملکت معاکه بدون استثناء باشد و در مقابل قوای قضائیه هیچ تفاوتی بین ذی نفوذ و ذی امر و شاهزاده و فقیر نباشد و آن ساعتی که این مطلب اجرا شود میتوانم بگویم که آنروز بهترین روزهای مملکت است متأسفانه تا آنروزه کسی بطور کامل باین آرزو نرسیده است (مرض نمی کنم هیچ نرسیده شاید بطور کامل نرسیده باشد) و همیشه ترتیبات طوری است که بدبخت فقراء محکوم می شوند البته همه ما که این جا دور هم نشسته ایم می خواهیم رأی که می دهیم يك اهمیتی پیدا کند البته اگر یک نسبت هائی بآدر يك روزنامه بدهند خصوصاً از این قبیل نسبت های جزائی باید خود را اخلاقاً موظف بدانیم که خودمان را بری الذمه بکنیم تا در این مجلسی که گفته می شود مجلس مقدس و یکی از وصاله می گفت فضای آن

مقدس است هوای آن مقدس است. رأی مقدس است و بالاخره همه چیز آن مقدس است دیگر در آن خارج به اینهمه مقدس حمله نشود و می گوید يك یا چند عضو هستند که داخل این مقدسین هستند و نسبت بفلان اتهام خود را بری الذمه نکرده اند بنابراین چون همه ما که اینجا نشسته ایم حافظ حقوق عموم هستیم خواه آن نسبتی که داده می شود نسبت بخود ما باشد یا نسبت بدیگری باشد باید تمام مطالب از روی عدل و انصاف جریان پیدا کند حالاً متأسفانه یکی از اعضاء مجلس نسبتی داده اند اگر خدای تعالی بخواهد این مطلب صحیح باشد مجلس که به چیزش مقدس است يك شخصی را که محکوم باشند می تواند بعضویت خودش بپذیرد و خود آقای آقا سید فاضل هم این مطلب را قبول دارند که همیشه باید حق از باطل تمیز داده شود آنوقت اگر برائت ذمه خود را حاصل کردند البته نسبت دهنده مجازات خواهد شد و شاید این اولین روزی باشد که يك کسی که به جهت نسبتی داده مجازاتی هم پشت سرش باشد بعد از این نسبت دهندگان آزادان نباشند که بهر کسی هر چه بخواهند نسبت دهند بدانند که يك محکمه و يك مجازاتی هم هست بنابراین بنده از برای اینکه مطلب درست معلوم بشود استدعا میکنم که این مطلب را مخبر یا آقای رئیس هر کس که صلاحیت دارد توضیح بفرمایند که این رأیی را که ما می خواهیم بدهیم برای این است که بعد از اجازه بدهیم که باین امور رسیدگی کنند با تصدیق اینکه این نسبت وارد نیست البته قسمت دوم همانطور که در راپورت نوشته شده کمیسیون محکمه قضاوت نموده و حق قضاوت نداشته در اینصورت بنده استدعا میکنم که این مطلب توضیح شود که اگر مقصود در حقیقت اجازه ایست که بعد از داده می شود برای اینکه در این کار مداخله کند بنده بطور وضوح رأی بدهم .
رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)
حاج شیخ اسدالله - تصور میکنم این موضوع محتاج برای باشد فقط يك کمیسیونی مجلس انتخاب کرد برای يك نسبتی که یکی از نمایندگان داده شده آن کمیسیون هم بر حسب وظیفه خود راپورتی نوشته و بمجلس تقدیم نموده البته آن فرمایشاتیکه حضرت والانسبت بمعاکه و تعقیب مسئله فرمودند بنده هم تصدیق میکنم مسلم است برای کشف قضیه این مسئله باید بعد از رجوع شود و مجلس کمیسیون نمی تواند کشف قضیه را بنماید باید معاکه عمومی معاکه کرده و باین امر رسیدگی کنند و برای رفع اشتباه عرض میکنم که با آقای آقا سید فاضل يك نسبتی داده شده و مجلس هم از این نسبتی که ایشان داده شده خیلی متأسف است ولی خود ایشان موظف هستند برای تیریه خودشان که محکمه عمومی نسبت دهند را تعقیب کنند در صورتیکه تیریه شدند باید نسبت دهنده مجازات شود و بنده به چه وجه لازم نمی دانم در اطراف این مسئله مذاکرات زیادی شود این راپورتی است که کمیسیون داده و محل این قضیه که بالا باید در محکمه جراه بشود .
رئیس - چرا مذاکره لازم ندارد . اگر

مذاکره نشود بنده نمی دانم بچه رأی بگیرم اگر می خواهید بگوئید معاکه نشود لازم است با تجاره مجلس نیست و اگر بگوئید باید معاکه بشود قبلاً باید سلب مصونیت بشود و در این صورت مجلس باید برای بدهد و الا با این ترتیب نمی شود رأی گرفت .
آقای سلیمان میرزا (اجازه)
سلیمان میرزا - اینکه آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند بنده توجهی بر راپورت بکنم گمان میکنم که باید خودشان توجه بکنند راپورت را بدقت خوانند و يك دفعه دیگر هم می خوانم تا ایشان متوجه بشوند در خانته راپورت می نویسد (لذا چون کمیسیون در حدود وظیفه خود راهی دیگر برای تکمیل تحولات ندارد و با مراتب مذکور کشف صحت و سقم این امر منوط به معاکه میباشد که از وظیفه کمیسیون خارج و موکول برای نمایندگان معترم است) . ریعامی نویسد موکول برای نمایندگان معترم است . و همانطور که آقای رئیس فرمودند بنده میخواهم بفهمم بچه باید رأی داده شود و حالاً که رأی می دهیم می خواهیم از روی توجه رأی بدهیم .
رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
آقا سید یعقوب - بنده عرض می کنم اینکه کمیسیون می گویند حق قضاوت ندارد ما هم نکفیم کمیسیون قاضی عدلیه باشد و بین حق و باطل را تمیز بدهد ولی باید يك مطلبی را که رجوع بکمیسیون می کنند بفهمد و در آن مسئله تحقیق بکند و بمجلس راپورت بدهد کمیسیون از وزارت داخله و وزارت مالیه و تأییدات تحقیق کرده و باید عقیده خود را بیان کند بعد عقیده کمیسیون که بمجلس آمد با مجلس رأی می دهد که بمعاکه برود یا رأی می دهد که آقای مخبر راپورت را پس گرفته تجدید نظر کند بنابراین بنده تقاضا می کنم آقای مخبر راپورت را مسترد بدارند و تجدید نظری بکنند و يك راپورتی بمجلس بفرستند که نمایندگان بتوانند در آن رأی بدهند کمیسیون يك مسئله را بطور اجمال بیان کرده مسئله مجمل را بطور می شود در مجلس محل شور قرار داده و بآن رأی داد .
رئیس - آقای نصیر السلطنه (اجازه)
نصیر السلطنه - بنده در زمینه فرمایشات آقای آقا سید یعقوب نمی توانم چیزی عرض کنم ولی خاطرشان را باینذاکرات جلسات قبل مجلس متوجه می کنم که کمیسیون صالح برای قضاوت نیست بنابراین تصدیق خواهند فرمود که کمیسیون در صورتیکه برای تشخیص يك قضیه معین شده باشد دیگر نمی تواند در آن مسئله قضاوت کند بنابراین در این جا هم بهمان فلسفه کمیسیون نمی توانست اظهار عقیده کند و باین مناسبت موکول برای نمایندگان نمود و چنانچه در راپورت هم ذکر شد آقای میرزا حسین خان صبا متکی هستند بسندی که در دست دارند و می گویند یکی از ذی امر های

ادارات دولتی داده است که از ارائه آن سند معتمد هستند چون اگر نسبت بيك نماینده معترمی توهینی وارد شود ناچار باید تعقیب نمود و از طرفی کمیسیون صالح نبود این مسئله را کاملاً تعقیب یا قضاوت کند و باینجهت موکول برای مجلس معترم معکرده است .
رئیس - آقای نصرت الدوله (اجازه)
نصرت الدوله - بنده بقین دارم که همه آقایان تصدیق خواهند فرمود که اساساً مذاکرات در این موضوع فوق العاده محل تأسف است ولی فعلاً چون این مذاکرات در بین آمده بندهم ناچار از نقطه نظر حقوقی و قانونی نکات کار را رعایت کرده و عرض میکنم اسلاً با فرمایشاتی که شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند کاملاً موافق ولی تصور می کنم کمیسیون غیر از آنچه کرده توانسته باشند کار دیگری بکنند علی الخصوص چنانچه تذکر داده شد این کمیسیون وقتی معین شد که اسم آن نماینده که این نسبت باو داده شده بود معلوم نبود و کمیسیون برای کشف مورد نسبت معین شد ولی حالاً چیزی را که بنده می خواهم تذکر بدهم این است که بمجرید يك نسبتیکه يك نفر مدیر روزنامه در روزنامه خود درج کرده و بگوید سندی درست است و آنرا ارائه نمی دهیم بنده تصور می کنم مجلس شورای ملی بتواند آن ماده قانون اساسی را که راجع بمصونیت و کیل است اجرا نکند .
 در قانون مصرح است که در هر موقع امارات و دلائلی نسبت بيك قضیه در باره یکی از نمایندگان ثابت و مسلم شد و از مجاری صالحه تقاضای سلب مصونیت شد مجلس از آن نماینده سلب مصونیت میکند بمجرید نسبت بدون دلیل اما از آن طرف هم تصدیق دارم که از نقطه نظر حفظ حیثیات نماینده که طرف این نسبت واقع شده حیثیتی که با حیثیت همه همقطاران و همکاران ایشان که در مجلس هستند تزام است (این قضیه بدون کشف نمی تواند بیاند به این ملاحظه از نقطه نظر جمع بین قانون اساسی و حادثه واقعه آنچه بنظر میرسد این است که ما امروز در يك مرحله مقدماتی هستیم زیرا این مطلب بدون این که مدعی و عارض خصوصی داشته باشد نمی تواند بمعاکه خود برود مورد این نسبت که عریضه جزائی نداده و دهنده این نسبت هم برای صرفه خود عریضه نداده است پس حل این قضیه چگونه می شود
 در مرحله مقدماتی حل این مسئله این طور است که مجلس به پاره که اداره مدعی العموم امر کند که يك چنین قضیه بمیان آمده آنرا تعقیب و قضیه را کشف کند پس از آنکه مدعی العمومی تعقیب کرده و بوظیفه خود رفتار نمود اگر دلائل کافی و ظن قوی نسبت به نماینده پیدا کرد آنوقت باید از مجرای دولت مطابق قانون اساسی سلب مصونیت و کیل از مجلس تقاضا شود حالاً این طرز را بچه صورت باید در آورد و چه ایاسی باید بوشانید چون بنده مسبق نبودم نتوانستم فکر کنم و عبارتی برای این امر پیدا کنیم

ولی مطلب همین است دیگر منوط است بنظر آقایان نمایندگان .
رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)
حاج شیخ اسدالله - بنده این مطلب را که عرض کردم (مجلس نمیتواند برای بدهد) راپورت را هم خواننده بوده در این جا يك نسبتی بيکی از نمایندگان داده شده است و همانطور که شاهزاده نصرت الدوله فرمودند اگر کسی اجازه دعوائی نسبت بيك نماینده بکند و دلائل قویه درست داشته باشد مدعی العموم از مجرای قانون از مجلس تقاضا می کند که سلب مصونیت از آن نماینده بشود از طرف مدعی العمومی که تقاضا نشده خود ایشان هم که عرض حال نداده اند حالاً مجلس بطور می تواند بگوید آقای وزیر این مسئله را تعقیب کن این نمی شود مگر این که خود آقای آقا سید فاضل عرض حال بدهند و مدعی العموم این مسئله را تعقیب کند .
 يك نفر در روزنامه يك تهمت نسبت بيك نفر از نمایندگان درج کرده و آن نماینده رامفتوح کرده است حالاً وظیفه این نماینده است که در محکمه جراه این مسئله را تعقیب کند بعد از آن اگر هر آینه محکمه در ضمن رسیدگی در کیفیات قضیه درباره آن نماینده مضمون شد از مجلس تقاضای سلب مصونیت می نماید هنوز آن قدم اول برداشته نشده است و بعداً وظیفه شخص آقای آقا سید فاضل است که عرض حال جزائی بدهند و اگر غیر از این باشد ما به چه وجه نمی توانیم رأی بدهیم .
رئیس آقای آقا سید فاضل (اجازه)
آقا سید فاضل - در موقعیکه مدیر روزنامه ستاره ایران این نسبت موهوم بی اساس را پینده داده بنده خیلی از آقایان نمایندگان متنون شدم که پیشنهاد تشکیل کمیسیون کردند تا مسئله تعقیب و کشف شود . عقیده بنده این بود این پنج نفری را که مجلس برای رسیدگی معین کرد صلاحیت از برای کشف قضیه دارند و میتوانند مطلب را تعقیب کرده و حقیقت را کشف نمایند حالاً معلوم شده است که مدیر ستاره ایران از نقطه نظر غرض رانی و حسادت و يك مسئله اغراض باطن در کمیسیون اظهار داشته که من این کمیسیون را صالح نمیدانم .
 اگر غرض نداشت ممکن بود سندی را که دعوی می کنند غیر رسم بر رئیس مجلس باریس کمیسیون ارائه دهد علی ای حال چون کمیسیون این قسم راپورت را داده بنده خودم از مجلس تقاضا می کنم که امر کنند مدعی العموم این مسئله را تعقیب کند تا همه بدانند که این نسبت حرف دروغ و تهمت محض بوده است و قضاوت آنرا واگذار می کنم بافکار عمومی ملت ایران و اهالی طهران بجهت این که می دانم این مسئله بدون مدرک و کذب محض است زیرا اگر کسی می خواست پول بدهد میدانست بکی باید بدهد نمی آمد

بینه بدمد .
 علی‌ای حال از مجلس تقاضا می‌کنم که بدمدی
 العموم امر شود که خودش رسیده گی کند تا معلوم شود
 که این حرف اتهام بوده است .
رئیس - آقای نصرت‌الدوله
 (اجازه)
نصرت‌الدوله - بنده يك پیشنهاد داشت
 تقدیم کردم .
رئیس - آقای معده‌هاشم میرزا
 (اجازه)
محمد هاشم میرزا - عرایض بنده
 گفته شد .
رئیس - آقای مستشار السلطنه
 (اجازه)
مستشار السلطنه - بنده عرضی ندارم
رئیس - آقای سلیمان میرزا
 (اجازه)
سلیمان میرزا - اگر اجازه بفرمائید پیشنهاد
 شاهزاده نصرت‌الدوله قرائت شود بعد بنده عرایض
 خود را عرض می‌کنم
رئیس - قرائت میشود
 شرح ذیل قرائت شد :
سلیمان میرزا - بنده صبر کردم که پیشنهاد
 قرائت شود شاید بطریقی نوشته باشند که مسئله حل شود
 ولی متأسفانه دیدم که باز اشکال باقی است بملاوه در
 این پیشنهاد مجلس میخواهد بمقام اشرافیتی را بخودش
 بدمد .
 عدلیه يك محكمه عمومی است و فریاد همه ما
 این است که حکم بهدالت و مساوات بشود وزیر و
 عمله و شاهزاده و خان در حکم واحد باشند این واقعه
 يك چیز تازه نیست که ما بخواهیم شروع کنیم البته
 هر طوریکه قانون بنا دستور داده باید عمل کنیم
 اگر ما برای خودمان امتیازاتی قائل هستیم آن
 امتیازات را قانون اساسی معین کرده است و قسم
 خورده ایم مادامی که حقوق مجلس و مجلسیان مطابق
 قانون اساسی محفوظ و مجری است تکالیف خودمان را اجراء
 کنیم و چیز دیگری برای خودمان قائل نشویم قانون
 اساسی يك تکلیفی در این موضوع برای ما معین
 کرده در اصل دوازدهم که خیلی هم واضح است مینویسد
 (بهیچ عنوان و بهیچ دست آویز کسی بدون اطلاع
 و تصویب مجلس شورای ملی حق ندارد متعرض
 اعضاء آن بشود)
 این يك قسمت دیگر هم دارد که
 می نویسد :
 اگر احياناً یکی از اعضاء علناً مرتکب جنحه
 و جنایتی شود و در همین ارتکاب جنایت دستگیر
 گردد باز باید اجرای سیاست درباره او باستحضار
 مجلس باشد این مصونیتی است که برای ما معین
 شده که کسی نمی تواند متعرض ما بشود مگر پس
 از تصویب مجلس شورای ملی بنده اول خیال کردم
 آن قسمتی را که شاهزاده نصرت‌الدوله فرمودند

(که هر گاه اماره و سندی در دست طرف باشد سلب
 مصونیت از وکیل می شود متعلق بقانون اساسی است
 حالا می بینیم در این جا چون چیزی نیست شاید در
 قانون عدلیه باشد که بنده از آن مطلع نیستم و نقداً
 بآنهم کاری ندارم فقط چیزی را که می خواهم عرض
 کنم و قیلاً هم سؤال کرده ام این است که ما بچه باید برای
 بدمیم
 حالا علت اینکه هیچکس نمی تواند متعرض
 وکیل بشود مگر با اجازه مجلس چیست و علت اینکه
 این را نوشته اند و این مصونیت را بولا داده اند
 برای چه داده اند مقصود قانون گذار در آن موقع
 از این مصونیت چه بوده باینها کار ندارم هم مقدر
 عرض می‌کنم که این مسئله در مجلس سابقه هم دارد
 بهر العلوم در دوره اول وکیل بود و او را از مجلس
 بمحکمه فرستادند این مسئله تازه نیست چنانچه سابقه
 های گذشته را نگاه کنیم تکلیف معلوم خواهد
 شد .
 مثلاً اگر فردا خیر دادند که بنده دزدی کرده -
 ام و بگویند فلان کس از دکان صرافتی دزدی
 کرده است من بگویم چون مسون هستم باید مدعی -
 العموم رسیده گی کند و پس از تحقیق اگر ظن قوی
 بن بردند آن وقت احضار مرا از مجلس اجازه
 بخواهند خیر چنین چیزی این جا نوشته نشده است
 بملاوه کسی که این نسبت را داده است می گوید من
 سندی از ذی امری دارم و کمیسیون را برای
 محاکمه صالح نمی‌دانم در محکمه حاضر شود من
 سند خود را ارائه می‌دهم و کمیسیون چون دیده است
 بموجب ماده ۱۲ قانون اساسی وکیل مصونیت دارد و
 عدلیه بدون اجازه مجلس نمی تواند او را جلب و محاکمه
 کند این است که این رایوررت را نوشته و از مجلس
 اجازه خواسته است که سلب مصونیت از او بشود
 بنده که از رایوررت کمیسیون این طور می‌فهمم حالا
 اگر اشتباه کرده باشم نمی‌دانم البته خود آقای آقا -
 سید فاضل از همه بیشتر سعی دارند که هم حفظ
 حیثیت خودشان و هم سایر همقطاران شان بشود چنانکه
 در اول وهله هم از مجلس تقاضا کردند که مسئله تعقیب و
 کشف شود
 بنده نمی‌دانم چه اشکالی در بین هست
 که آن شخصی که سندی از ذی امری در دست
 دارد عریضه نمی‌دهد یا اینکه آقای آقا سید فاضل
 چرا نخواستند بعد عدلیه اظهار کنند علت را نمی‌دانم
 و گرنه اختیارت دست خودشان بود و فردای همانروز
 میتوانستند عریضه بدهند بهر جهت تا بحال عریضه
 نداده اند حالا اگر وظیفه مدعی العموم است که اگر يك
 وکیل نسبتی داده شود او باید مداخله و رسیدگی کند
 آنرا نمیدانم و گمان هم نمیکنم يك چنین چیزی باشد
 وقتیکه مدعی خصوصی حاضر است و میگوید سند در
 دست دارم دیگر راه تحقیق مطلب مشکل نیست و
 از عدلیه هم تا اداره ستاره ایران آتقدر مسافتی نیست
 و ممکن است خود آقای آقا سید فاضل تشریف ببرند
 عدلیه و هر ضعیال بدهند محکمه هم طرف را میخواهد

و در آنجا دیگر مدرستاره ایران نمی تواند بگوید
 محکمه صالح نیست ما هم زودتر خلاص میشویم که
 همه روزه نمی گویند یکی از اعضاء مجلس طرف
 تهمت واقع شده و خودشان هم راحت میشوند : آنوقت
 اگر خدای نکرده ایشان نتوانستند خود را بری الذمه
 کنند متأسفانه از یکطرف از خدمتشان محروم میشویم
 ولی از طرف دیگر هم بمملکت ثابت میکنم که عدلیه
 ما این اندازه بی طرف است که وکیل هم اگر
 مقصر باشد تکلیف او را تعیین می کند اما اگر آنطرف
 محکوم شد (کما اینکه ظن غالب هم همین است)
 آنوقت او را مجازات خواهند کرد تا از نظایرش
 جلوگیری شود بهر جهت بنده با این پیشنهاد مخالفم
 و خیال میکنم این پیشنهاد تولید صحیتهای دیگری از
 برای آقایان و کلاه و شخص آقای آقا سید فاضل در
 خارج بکنند حالا نمیخواهم داخل صحیتهای بشوم و علی -
 ایحال عرض میکنم باید رعایت اصل دوازدهم را که
 خیلی ساده نوشته شده کرد و اجازه داد که مشغول
 محاکمه شوند یعنی آقا خودشان عریضه بدهند و
 طرف را حاضر کنند البته در یکی دو جلسه کشف
 قضیه خواهد شد .
نصرت‌الدوله - اجازه بفرمائید راجع به
 پیشنهاد توضیحی بدم .
رئیس - بفرمائید
نصرت‌الدوله - بنده همانطوریکه عرض
 کردم در عبارت این پیشنهاد يك نظر خاص نداشتم و
 دلالتی را که حضرت والا برای مخالفت با آن پیشنهاد
 فرمودند آن دلالت کافی نیست البته تصدیق می فرمائید
 اینجا بحث در قضیه خصوصی و شخصی نیست ما اینجا
 از نقطه نظر قانون گذاری ببحث در موردی که مواد
 قانون باید رعایت شود حرف می‌زنیم ماده دوازدهم
 را که حضرت والا فرمودند همین ماده است که فقط
 مصونیت و کلاه را شامل است این ماده باین سهل و
 سادگی که در ظاهر معلوم است نیست برای اینکه
 اولاً باید دید در صورتیکه در همه جا برای حقوق افراد
 يك مملکت در مقابل قانون تساوی قائل هستند و
 هستیم چرا و از چه نقطه نظر برای و کلاه يك ترجیحی
 قائل شده اند و برای آنها يك مصونیتی بر قرار شد
 این مصونیت در تمام ممالک برای نمایندگان هست و
 ما فقط يك تقلیدی از آنها میکنیم چرا برای هیچ يك
 از اعیان و بزرگان و هیچ صنفی از مردم در مقابل
 قانون این رجحان را قرار نداده اند دلیل این مسئله
 اینست اشخاصی که در معرض سیاست هستند (و اولین
 معرض سیاست مجلس است) چون همیشه در مقابل
 حمله و در معرض توهین هستند مقنن خواسته است هم
 در مقابل تنقید و هم در مقابل افترا و تهمت افراد عادی
 و هم در مقابل تجاوزات مملکه متصوره از يك حکومت
 ناراضی وکیل را حفظ کند ولی از آنطرف هم
 نمی شود گفت که تجرد کات آنها را از محاکمه مصون
 می دارد و قانون این مسئله را پیش بینی کرده است
 حالا ملاحظه فرمائید اگر بنا باشد این ملاحظه را که
 قانون کرده و این استثنائی را که در مقابل تساوی
 حقوق قوی ترین و بزرگترین اصول دنیای متدین

است قائل شده است اگر ممکن باشد از این استثناء
 به این سهولت یعنی بمجرد اظهار يك کسی که من يك
 سندی دارم و ارائه نمی‌دهم در صورتیکه معلوم نیست
 این مسئله که می گوید صحت دارد یا خیر بدون تحقیق
 و دیدن دلائلی که تا يك درجه ظن نزدیک به یقین
 حاصل شود که این امر صحیح است یا غیر صرف نظر
 شود البته مقصود قانون گذار بعمل نی آید باید در نظر
 داشت که مقصود قانون گذار و روح قانون همیشه
 محفوظ باشد ملاحظه فرمائید تاجه درجه قانون گذار
 در این قسمت ثانی غلو کرده است که می نویسد اگر
 احياناً یکی از اعضاء مجلس علناً مرتکب جنحه و
 جنایتی شود و در همین ارتکاب جنایت دستگیر گردد
 باز باید اجرای سیاست درباره او باستحضار مجلس
 باشد دیگر از این بالاتر چه می شود يك آدمی که
 اسدش وکیل است وقتی که يك نفر را زد و کشت در
 موقعی که طیانچه دست او است و بسینه کسی خالی
 کرده است و آن آدم افتاد و مرده است این دیگر
 بزرگترین جنایتی است نه دلیل می خواهد نه اثبات
 با این حال بدون استحضار و اجازه مجلس نمی توانند
 او را جلب نمایند اینکه بنده عرض کردم ما هنوز در
 مرحله مقدماتی هستیم برای این بود که روح قانون
 حفظ شود اگر کمیسیون موفق نشده بود باینکه
 يك تحقیقاتی بکنند که آن تحقیقات يك نتیجه روشن و
 يك دلالت نزدیک به یقین برای کمیسیون حاصل کند
 آنوقت می توانستیم بگوئیم که مجلس شورای ملی
 سلب مصونیت را بدون طی يك مرحله دیگر می تواند
 بکند ولی مطابق همین رایوررت و همین دلیلی که
 می گویند سند را ارائه نداده است و گفته است کمیسیون
 صالح نیست تصدیق می فرمائید که تحقیق کمیسیون
 کامل نشده بملاوه نسبت دهنده که مدعی خصوصی است
 تعقیب نمی کند در صورتیکه می تواند تعقیب کند و اگر
 گفته شود مصونیت از او جلوگیری می کند اشتباه است
 مصونیت يك وسیله ابدأ مانع نیست کسی برود
 در محکمه یا یاز که از دست يك وکیل عریضه بدهد
 یا شکایت کند البته با کمال سهولت می توانست به یاز که
 عریضه بدهد و دلالت خود را در آنجا ارائه دهند و از
 آنطرف هم وکیل محترم همانطور که حضرت والا
 فرمودند برای حفظ حیثیت خودش می توانست روز دوم
 عریضه جزائی بدهد و بمحکمه تنظیم کند ولی اینهم
 نشده است حالا به چه ملاحظه بوده است حکمت آن
 مربوط به بنده نیست بعضی از آقایان عقیده دارند که
 مجلس در این باب نباید دخالت کند زیرا قضیه خصوصی
 است بین دو فرد آنها خودشان می دانند بلی اگر روز
 اول این عقیده اظهار شده بود در مجلس مذاکره نمی شد
 شاید بنده هم موافق نبودم ولی بعد از گذشتن يك
 مدتی که از طرف هیچکدام از این دو فرد اقدامی نشده
 و باز هم ممکن است تصور کنیم شاید باز يك مدتی بگذرد
 و قضیه به همین صورت باقی بماند بنابراین بنده متقدم
 همین امروز که این مسئله مطرح است باید وجه حلی
 برای این قضیه پیدا کرد تا وظیفه هر کسی معلوم
 شود خاطر من نیست کدام يك از آقایان گفتند بدون اینکه
 مدعی خصوصی اقامه دعوی کند یاز که بطور می تواند
 مداخله کند عرض می‌کنم همانطور که مدعی خصوصی

يك حقوقی دارد مدعیان عمومی هم يك حقوقی دارند و یاز که
 میتواند دخالت کند در دست خاطر من نیست يك مواردی هست که
 یاز که الزام نمی کند یاز که بدون اینکه کسی اظهاری به
 او بکند خودش می تواند این کار را بکند و بنده تصور
 میکنم اگر تا امروز هم این کار از طرف یاز که نشده
 است باین دلیل بوده است که مصونیت سره تعبیر
 شده است در صورتیکه مدعی عمومی و یاز که می تواند
 مطلب را تعقیب کند و فرضاً هم که بگوئیم یکطرف
 مصونیت داشت یاز که می توانست طرف دیگر را که
 مصونیت نداشت او را جلب کند و او بگوید اگر سندی
 داری باید ارائه بدهی و ارام محرومی کرد که اسناد خود
 را ارائه دهد و اگر اسنادی نداشت آنوقت یاز که
 میتوانست بدون اینکه مدعی خصوصی عریضه دهد
 اقامه دعوی کند بهر جهت بنده در موضوع این پیشنهاد
 که کرده ام تعرض ندارم که حتماً تصویب شود فقط
 مقصودم این است بهر نحو که مجلس صلاح میدانند
 راه حلی برای این مسئله پیدا شود که مقصود بنده
 هم ادا شود .
رئیس - آقای آصف الممالک
 (اجازه)
آصف الممالک - گمان میکنم جریان این
 مسئله دارد قدری از مجرای طبیعی منحرف میشود .
 در ابتدای امر اتهامی بطور مطلق بیکی از
 نمایندگان مجلس وارد آورده و چیزی نوشته بودند
 و در آن موقع یای همه نمایندگان در بین بود
 و لازم بود مجلس این مسئله را تعقیب کند و
 راه تعقیب هم همینطور بود که کمیسویی تعیین شده
 و تحقیقاتی بکند و بمجلس رایوررت بدهد حالا پس از
 اینکه کمیسویی تحقیقات کرد مطابق این رایوررتی
 که از کمیسیون بمجلس آمده معلوم شده است که
 طرف یک نفر واحد است و در این صورت خود آقای آقا
 سید فاضل که این نسبت به ایشان داده شده است
 باید شخصی را که به ایشان این تهمت را زده شخصاً
 تعقیب کنند بلی اگر طرف به يك محکمه عارض شده
 بود و یای سلب مصونیت بیان می آمد آنوقت لازم
 بود راجع بحل قضیه و اینکه سلب مصونیت بشود
 حرف بزنیم اما اینجا یک نفر بیکی از نمایندگان فقط
 در روزنامه نسبتی داده است و در حقیقت وظیفه خود
 نماینده محترم است که بمحکمه عریضه بدهد و بمحکمه
 طرف را بخواند و محاکمه کند بنده هیچ معتقد نیستم
 که مجلس از این بابت چیزی بنویسد زیرا همه روزه
 در جریان می بینیم يك چیزهایی راجع به نمایندگان
 می نویسند پس هر نماینده باید بیاید از مجلس تقاضا
 کند که بدولت و مدعی العموم بنویسد که طرف مرا
 خواسته و محاکمه کند خیر چنین نیست اگر کسی هم
 يك نسبتی داد در صورتیکه آن اتهام بین وارد نیست
 محاکمه حاضر کنیم بنابراین بنده مخالفم که از مجلس
 چیزی نوشته شود و این را وظیفه آقا می دانم که
 همانطور که گفت شد طرف را بمحکمه جلب و
 محاکمه نمایند .
رئیس - در این موضوع مذاکرات کافی است ؟
 (گفته شد کافیست)

يك حقوقی دارد مدعیان عمومی هم يك حقوقی دارند و یاز که
 میتواند دخالت کند در دست خاطر من نیست يك مواردی هست که
 یاز که الزام نمی کند یاز که بدون اینکه کسی اظهاری به
 او بکند خودش می تواند این کار را بکند و بنده تصور
 میکنم اگر تا امروز هم این کار از طرف یاز که نشده
 است باین دلیل بوده است که مصونیت سره تعبیر
 شده است در صورتیکه مدعی عمومی و یاز که می تواند
 مطلب را تعقیب کند و فرضاً هم که بگوئیم یکطرف
 مصونیت داشت یاز که می توانست طرف دیگر را که
 مصونیت نداشت او را جلب کند و او بگوید اگر سندی
 داری باید ارائه بدهی و ارام محرومی کرد که اسناد خود
 را ارائه دهد و اگر اسنادی نداشت آنوقت یاز که
 میتوانست بدون اینکه مدعی خصوصی عریضه دهد
 اقامه دعوی کند بهر جهت بنده در موضوع این پیشنهاد
 که کرده ام تعرض ندارم که حتماً تصویب شود فقط
 مقصودم این است بهر نحو که مجلس صلاح میدانند
 راه حلی برای این مسئله پیدا شود که مقصود بنده
 هم ادا شود .
رئیس - آقای آصف الممالک
 (اجازه)
آصف الممالک - گمان میکنم جریان این
 مسئله دارد قدری از مجرای طبیعی منحرف میشود .
 در ابتدای امر اتهامی بطور مطلق بیکی از
 نمایندگان مجلس وارد آورده و چیزی نوشته بودند
 و در آن موقع یای همه نمایندگان در بین بود
 و لازم بود مجلس این مسئله را تعقیب کند و
 راه تعقیب هم همینطور بود که کمیسویی تعیین شده
 و تحقیقاتی بکند و بمجلس رایوررت بدهد حالا پس از
 اینکه کمیسویی تحقیقات کرد مطابق این رایوررتی
 که از کمیسیون بمجلس آمده معلوم شده است که
 طرف یک نفر واحد است و در این صورت خود آقای آقا
 سید فاضل که این نسبت به ایشان داده شده است
 باید شخصی را که به ایشان این تهمت را زده شخصاً
 تعقیب کنند بلی اگر طرف به يك محکمه عارض شده
 بود و یای سلب مصونیت بیان می آمد آنوقت لازم
 بود راجع بحل قضیه و اینکه سلب مصونیت بشود
 حرف بزنیم اما اینجا یک نفر بیکی از نمایندگان فقط
 در روزنامه نسبتی داده است و در حقیقت وظیفه خود
 نماینده محترم است که بمحکمه عریضه بدهد و بمحکمه
 طرف را بخواند و محاکمه کند بنده هیچ معتقد نیستم
 که مجلس از این بابت چیزی بنویسد زیرا همه روزه
 در جریان می بینیم يك چیزهایی راجع به نمایندگان
 می نویسند پس هر نماینده باید بیاید از مجلس تقاضا
 کند که بدولت و مدعی العموم بنویسد که طرف مرا
 خواسته و محاکمه کند خیر چنین نیست اگر کسی هم
 يك نسبتی داد در صورتیکه آن اتهام بین وارد نیست
 محاکمه حاضر کنیم بنابراین بنده مخالفم که از مجلس
 چیزی نوشته شود و این را وظیفه آقا می دانم که
 همانطور که گفت شد طرف را بمحکمه جلب و
 محاکمه نمایند .
رئیس - در این موضوع مذاکرات کافی است ؟
 (گفته شد کافیست)

رئیس - این پیشنهاد را می نویسد که این پیشنهاد قرائت می شود تا بعد
 تکلیف رای گرفتن معلوم شود .
حاج شیخ اسدالله - اجازه می فرمائید .
رئیس - گفتند مذاکرات کافی است .
محقق العلماء - هر روز که نمی شود وقت مجلس
 را باین امر ضایع کرد .
رئیس - عرض می‌کنم مذاکرات کافی است
 اگر پیشنهاد دارید بدهید قرائت می شود بعد رای
 می گیریم .
 (آقای تدین مجدداً پیشنهاد آقای نصرت‌الدوله
 را بمضمون فوق قرائت نمود)
رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله نسبت به پیشنهاد
 فرمایشی دارید ؟
حاج شیخ اسدالله - بلی در اطراف این
 قضیه مذاکرات زیادی از طرف نمایندگان شد عقیده
 بنده این است که مجلس راجع به این مطلب نباید چیزی
 بنویسد حضرت والا فرمودند در دعوی خصوصی و جزائی
 اگر مدعی علیه طرح دعوی کند مدعی العموم میتواند
 تعقیب بکند بنده تصور میکنم اینطور نباشد اگر مدعی
 خصوصی تعقیب نکند مدعی عمومی نمیتواند وارد در
 دعوی شود ولی تصور میکنم در این مورد بالعموم
 يك جنبه عمومی هم در دعوی باشد زیرا نوشته شده
 است اداره خبازخانه این بول را داده است و چون خباز
 خانه يك اداره دولتی است مدعی العموم میتواند برای
 حفظ حقوق دولت و محض اینکه در آن اداره شاید
 تقلباتی شده باشد این مطلب را تعقیب و کشف کند
 و اگر مدعی العموم تعقیب کند همه قضایا کشف میشود
 و او اینکه آقای آصف فاضل هم اصلاً تعقیب نکند ولی
 کوشش و تقاضا کردن از طرف مجلس که مدعی العموم این
 قضیه را تعقیب کند هیچ مناسبت ندارد نه قانون اساسی
 این حق را بناداده است و نه کسی را از اقامه دعوی منع
 میکند و نه محکمه را از رسیدگی فقط در موقع مجازات و
 تعقیب ممکن است از مجلس سلب مصونیت را بخواهند این
 است که قانون تمام این مطالب را معین کرده است و دیگر
 محتاج باین نیست که از طرف مجلس اقدام خصوصی
 شود و چون جنبه عمومی دارد مدعی العموم موظف است
 این مطلب را تعقیب کند و دیگر از طرف مجلس لازم
 نیست نوشته شود و ما این وظیفه را نداریم که برای
 نسبت بيك نماینده به مدعی العموم بنویسیم این قضیه را
 تعقیب کنند .
رئیس - يك پیشنهاد دیگری از طرف آقای آقا سید
 بقرب رسیده است ولی گویا در آن باب نمیشود رای
 گرفت قرائت میشود ملاحظه بفرمائید .
آقا سید یعقوب - چرا نمیشود رای گرفت
 پیشنهاد بنده را بخوانند بنده نوشته ام ایشان خودشان
 بروند بمدعی العموم شکایت کنند البته این وظیفه خودشان
 است .
رئیس - اگر مجلس رای داد و ایشان نخواستند
 بودند آنوقت تکلیف چیست ؟
 پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب بمضمون ذیل قرائت شده .
 بنده پیشنهاد میکنم که جناب آقای آقا سید

فاضل مستقیماً مدعی العموم عریضه بدهد بدون اینکه مجلس در این باب اقدامی کند .

آقا سید یعقوب - بنده عرض میکنم این مسئله کشف شده و مجلس هم باندازه که باید از مطلب مسبوق هود مسبوق شد حالا خود آقای آقا سید فاضل موظف هستند که از برای رفع تومت مدعی العموم رجوع نمایند اگر آقای آقا سید فاضل رفتند باز خودشان مورد تهمت و اتهام هستند .

محمد هاشم میرزا - قابل رای نیست .
رئیس - به پیشنهادی که از طرف شاهزاده نصرت الدوله شده رأی می گیریم . آقای نصرت الدوله توضیح دارید ؟

نصرت الدوله - اگر اجازه بفرمائید خوب است در موقع نفس بگذردی در عبارت این پیشنهاد مشورت بکنیم که يك صورت توافقی بین نمایندگان حاصل شود .

رئیس - بسته به رای مجلس است . مخالفی نیست ؟
مخالفی نشد رأی در این مسئله و همچنین راجع بماده یازدهم رایورت کمیسیون بودجه میماند برای بعد از نفس .

در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید .
رئیس - آقای آقا سید فاضل

(اجازه)

آقا سید فاضل - بنده در موقعیکه مدیر روزنامه ستاره ایران این تهمت را به بنده نسبت داده و مجلس برای رسیدگی باین مطلب کمیسیونی انتخاب کرد بنده حقیقتاً عقیده ام این بود که کمیسیون برای رسیدگی قضیه صالح است از برای اینکه این قضیه را کاملاً هوحنه رسیدگی کنند و در مجلس هم رسماً عدم صلاحیت کمیسیون عنوان نشد این بود که بنده باعتبار این صلاحیت تا بحال صبر کردم حالا که رایورت کمیسیون باین ترتیب تقدیم شده بنده فردا علی الوظیفه عرض حال خواهم داد و عرض می کنم این مسئله کذب محض و محض کذب است ولیکن از مجلس شورای ملی خواهشمندم همین طور که حالا اصرار دارند در موقعیکه حقیقت مطلب مکشوف شد و معلوم شد صرف تهمت و غرض است و کیفیت مجازات تعرضی همراهی بنمایند و احاله بدولت نکنند .

رئیس - با این اظهاراتی که آقای آقا سید فاضل کردند بنده گمان میکنم قضیه ختم است بالفعل آنچه راجع بمجلس بود گفته شد و اگر بعد هایک تعقیقات دیگری لازم باشد باز به مجلس خواهد آمد .

رایورتی از کمیسیون مبتکرات رسیده آقای سدید الملك تشریف بیاورید قرائت کنید .
(بعضی ذیل قرائت نمودند)

کمیسیون مبتکرات در جلسه ۱۵ دلو ۱۳۰۰ طرح قانونی پیشنهاد شده از طرف عداآز آقایان نمایندگان محترم را راجع بدست توقف مأورین سیاسی ایران در ممالک خارجه مورد مذاکره قرارداد مطرح مذکور را با کثرت قابل توجه دانسته و رایورت آن را

تقدیم مجلس مقدس مینماید که به کمیسیون خارجه ارجاع فرمایند

رئیس - مخالفی هست یا خیر ؟
نصرت الدوله - سؤال دارم .

آیا قبل از رجوع کمیسیون عقیده دولت باید معلوم شود یا باید در کمیسیون معلوم شود .

رئیس - بدیهی است چون مسئله راجع بدولت است باید نظریات دولت اتخاذ شود ولی رسم این است که در کمیسیون معلوم شود .

آقای حاج نصیر السلطنه (اجازه)

حاج نصیر السلطنه - بنده تصور میکنم چون مسئله راجع بدولت است البته نظریات دولت باید قبلاً اتخاذ شود بنظر بنده این طور است حالا بته برای حضرت تالی است .

رئیس - بدیهی است نظریات دولت هم در موقعیکه مراجعه بکمیسیون می شود جلب خواهد شد .

آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - بنده این سؤال را داشتم که آیا این مسئله يك قسمت از قانون استخدام نیست ؟ و آیا ممکن است در ضمن قانون استخدام نوشته شود یا خیر ؟

در هر صورت بعقیده بنده ممکن است این را ضمیمه قانون استخدام نمایند یعنی فرض کنیم يك پیشنهادی راجع بقانون استخدام شده و این طرح يك فصلی از قانون استخدام است .

رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - بنده تصور میکنم تا وقتی که تکلیف قانون استخدام معین نشود حل يك مشکلاتی بواسطه این پیشنهاد بتعویق خواهد افتاد بعلاوه هیچ چیز مانع از این نیست که مجلس این طرح را تصویب نماید بعد منضم بقانون استخدام بشود بنا بر این بنده عقیده ام این است همانطور که علیحده پیشنهاد کرده اند بروود بکمیسیون و کمیسیون رأی خود را بدهد

رئیس - باید قبلاً معلوم شود قابل توجه است یا نه ؟ باید بقابل توجه بودنش رأی بگیریم آقایانی - که این طرح را قابل توجه می دانند قیام نمایند

(اکثر قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه شد .

ماده ۱۱ ضمیمه رایورت کمیسیون بودجه راجع به بودجه وزارت معارف مطرح است جمعی از آقایان اجازه خواسته بودند اگر فرمایشی دارند می فرمایند .

آقای مستشار السلطه (اجازه)

مستشار السلطنه - بنده يك پیشنهادی تقدیم کرده ام توضیحانی لازم است عرض کنم

رئیس - اظهار دیگری ندارید ؟
رئیس - آقای آقا میرزا سید حسن کاشانی (اجازه)

آقا میرزا سید حسن کاشانی - عرض می کنم که

و هر وقت محتاج بمدارس دیگری شوند بجلس مراجعه کنند اما راجع بخدم تناسب بودجه معارف ایالات و ولایات و طهران بنده کاملاً موافقم ولی آقایان باید تصدیق فرمایند که ما امروز نمی توانیم مدارس را که در طهران تأسیس شده حذف کنیم زیرا اگر بخواهیم بولایات بیشتر از آنچه تصویب شده بپردازیم مستلزم آن است که از مدارس طهران حذف شود و البته خاطر آقایان مستحضر است که نمی شود از مدارس طهران حذف بکنیم و دچار اشکالاتی خواهیم شد که بر آقایان پوشیده نیست و اما در باب فرمایش آقای آقا سید یعقوب راجع بیست و دو هزار تومان حقوق معلمین اروپائی بنده عرض میکنم نمی دانم این معلمین لازم هستند یا لازم نیستند ولی می دانم که این معلمین اروپائی مطابق يك کثرت معنی بایران آمده اند و باید بکثرات خود باقی باشند و پس از این راه هم نمی توانیم يك پولی تهیه کنیم و در این موقع که دولت دچار بی پولی است باید خود اهالی ایالات و ولایات تهیه پول برای مدارس بکنند چنانکه شاهزاده سلیمان میرزا مسبوق هستند در کرمانشاهان این کار را کرده اند و در کرمانشاه در خود شهر يك مدرسه اسلامی و يك مدرسه آبیانس هست در قصر يك مدرسه در صحنه يك مدرسه در گهواره يك مدرسه در سنقر و کلیائی يك مدرسه تمام این مدارس هست رؤسای کله و سنجابی هم در خیال تأسیس دو باب مدرسه در محل خودشان بوده دیگر نمی دانم تا کتون موفق شده اند یا نه محل خرج این مدارس را هم خود اهالی کرمانشاهان معین کردند در تجاریه اداره گمرک نوشته اند که از هر يك باری که بگمرک وارد می شود صد دینار بگیرند و بمعارف بدهند اداره گمرک هم همین کار را میکند و از هر عدل مال التجاره صد دینار میگیرد و همینطور از نواقل خواصش کردند بر هر مالیاتی يك شاهی میفرزاید و چون بر حسب میل خودشان بوده قبول کردند و از این دو محل و محلهای دیگر حقوق مدارس را پرداخته اند و تا کتون از بابت تومانی صد دینار تقریباً دو هزار تومان بمدارس کرمانشاهان داده نشده و با همان پولهای که خودشان تهیه کردند مدارس خود را گردانیده پس خوب است اهالی ایالات و ولایات در این موقع که دولت دچار بی پولی است خودشان کمک کنند باین کار بکنند چون مذاکراتی که در این جلسه و جلسه گذشته تمام این بوده که بودجه مرکز ولایات به تناسب تقسیم نشده درست است اما همانطور که عرض کردم امروز ما نمی توانیم تغییری در این بودجه بدهیم و اگر بخواهیم تغییری بدهیم مستلزم این است که مدارس طهران از بین برود از آنطرف بودجه ولایات هم همانطور که آقایان فرمودند کم است ولی دولت هم دچار بی پولی است و آن قدر قوه ندارد که بتواند به ایالات و ولایات کمک نماید پس باید همانطور که عرض کردم خود اهالی فکری بکنند تا در موقعیکه دخل مملکت کاملاً معین شد آنوقت ممکن است هیئت دولت بجلس پیشنهاد کنند و يك کمکهای بمعارف

پشود که هم آقای آقا میرزا حسن کاشانی راضی باشند

رئیس - آقای نظام الدوله موافق هستید ؟
نظام الدوله - بنده يك قسمتی تصدیق میکنم و بنده هم عرض میکنم معارف ایران بهر چیزی باید برتری داشته باشد فرمایند که حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا اظهار فرمودند قسمت کلی آنرا تصدیق میکنم ولی آن قسمتی که فرمودند ما باید حق طبقات را محفوظ بداریم بنده عرض میکنم که این حق تاریخی از برای طبقات هست که آنها حق خودشان را از اولیای امور بخواهند و بگیرند و الا اگر ما بخواهیم باین جلسه فوق العاده و نظریات خصوصی این کارها را بکنیم گمان میکنم ترتیب اثری برای حفظ حقوق جامعه داده شود بعین جهت بنده پیشنهادی برای معارف ولایات تقدیم کرده ام که نه ضرری برای دولت است و کمکی هم عجلاناً می شود تا موقعیکه بودجه را برسیست بشناسیم آنوقت عرایض خود را در جزئیات عرض خواهم نمود .

رئیس - آقای رئیس التجار و شیخ الاسلام اصفهانی و حائری زاده مخالفند همین طور آقای دولت آبادی .

آقای کازرانی (اجازه نطق)

آقا میرزا علی کازرانی - بنده با بودجه وزارت معارف تهران که تقریباً دوست و پنجاه هزار تومان است موافقم و این را هم برای تهران کم می دانم ولیکن خواستم بدانم که این مبلغ از چه محل پرداخته می شود اگر حقیقه این مبلغ از مالیات و عایدات عمومی پرداخته می شود یعنی از همان پولی که از زحماتشان برای حفظ حدود و تقویر گرفته می شود صرف معارف طهران بشود گمان میکنم مطابق انصاف و عدالت باشد و مطابق هیچ قانونی نباید مالیاتی که بگمرک مردم زحمتکش برای مخارج عمومی دولت می دهند خرج معارف تهران بشود بنده فقط سؤال راجع باین مسئله است و خواهش میکنم جواب فرمایند .

رئیس - چنانچه در نصفش موافق بودید و در نصفش مخالف .

هخسور - بنده مقصودم تعرض محترم را نفهمیدم یا حقیقتاً سؤال ایشان موجب حیرت است زیرا بنده تا بحال نشنیده بودم که بین معارف عمومی را تفکیک کنند البته هر مملکتی يك هوادندی دارد و يك مخارجی و دیگر تضییق دادن يك محلهای بيك مخارجی اساساً مخالف با قانون است و باید کلیه هواد در يك جا تمرکز پیدا کند و صرف مخارج عمومی بشود و گمان میکنم که خود آقای کازرانی هم تصدیق فرمایند که مخارج معارف یکی از مخارج عمومی خیلی لازم است و بدیهی است مانی

و هم در سایر ولایات مدارس متوسطه تأسیس شود که محتاج نشوند شاگرد باینجا بفرستند و در همان ولایات خودشان تحصیل کنند .

رئیس - آقای نظام الدوله

نظام الدوله - بنده يك قسمتی تصدیق میکنم و بنده هم عرض میکنم معارف ایران بهر چیزی باید برتری داشته باشد فرمایند که حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا اظهار فرمودند قسمت کلی آنرا تصدیق میکنم ولی آن قسمتی که فرمودند ما باید حق طبقات را محفوظ بداریم بنده عرض میکنم که این حق تاریخی از برای طبقات هست که آنها حق خودشان را از اولیای امور بخواهند و بگیرند و الا اگر ما بخواهیم باین جلسه فوق العاده و نظریات خصوصی این کارها را بکنیم گمان میکنم ترتیب اثری برای حفظ حقوق جامعه داده شود بعین جهت بنده پیشنهادی برای معارف ولایات تقدیم کرده ام که نه ضرری برای دولت است و کمکی هم عجلاناً می شود تا موقعیکه بودجه را برسیست بشناسیم آنوقت عرایض خود را در جزئیات عرض خواهم نمود .

رئیس - آقای رئیس التجار و شیخ الاسلام اصفهانی و حائری زاده مخالفند همین طور آقای دولت آبادی .

آقای کازرانی (اجازه نطق)

آقا میرزا علی کازرانی - بنده با بودجه وزارت معارف تهران که تقریباً دوست و پنجاه هزار تومان است موافقم و این را هم برای تهران کم می دانم ولیکن خواستم بدانم که این مبلغ از چه محل پرداخته می شود اگر حقیقه این مبلغ از مالیات و عایدات عمومی پرداخته می شود یعنی از همان پولی که از زحماتشان برای حفظ حدود و تقویر گرفته می شود صرف معارف طهران بشود گمان میکنم مطابق انصاف و عدالت باشد و مطابق هیچ قانونی نباید مالیاتی که بگمرک مردم زحمتکش برای مخارج عمومی دولت می دهند خرج معارف تهران بشود بنده فقط سؤال راجع باین مسئله است و خواهش میکنم جواب فرمایند .

رئیس - چنانچه در نصفش موافق بودید و در نصفش مخالف .

هخسور - بنده مقصودم تعرض محترم را نفهمیدم یا حقیقتاً سؤال ایشان موجب حیرت است زیرا بنده تا بحال نشنیده بودم که بین معارف عمومی را تفکیک کنند البته هر مملکتی يك هوادندی دارد و يك مخارجی و دیگر تضییق دادن يك محلهای بيك مخارجی اساساً مخالف با قانون است و باید کلیه هواد در يك جا تمرکز پیدا کند و صرف مخارج عمومی بشود و گمان میکنم که خود آقای کازرانی هم تصدیق فرمایند که مخارج معارف یکی از مخارج عمومی خیلی لازم است و بدیهی است مانی

و هم در سایر ولایات مدارس متوسطه تأسیس شود که محتاج نشوند شاگرد باینجا بفرستند و در همان ولایات خودشان تحصیل کنند .

رئیس - آقای نظام الدوله

توانیم بتعلیمات عمومی معانی قائل شویم مگر اینکه از عوائد عمومی برداریم و صرف معارف بکنیم البته اگر يك ملتی این نظر را نداشته باشد آنوقت شاید این سؤال يك موردی پیدا کند ولی یقیناً ایشان معتقد باین اصل نیستند و مطابق نص صریح قوانین بایستی صرف کنیم به این که تعصیلات اجباری باشد در این صورت مورد ندارد که بگوئیم مخارج معارف طهران از چه محل داده میشود کلیه عایدات مملکتی در يك جا تمرکز پیدا میکند و کلیه مخارج عمومی از آن عایدات پرداخت می شود .

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - اگر چه موضوع بعقیده بنده فوق العاده مهم است و بایستی در این زمینه زیاد حرف بزنیم ولی برای اینکه زیاد مزاحم خاطر آقایان نباشم سعی می کنم حتی الامکان عرایض خود را بطور اختصار عرض کنم و تذکراً خاطر آقایان را متوجه باین موضوع میکنم که چندین مرتبه در این مجلس در موقعیکه اسم معارف ببیان آمده است بعضی از نمایندگان اظهاری نمودند که استقلال مملکت بر معارف مقدم است و تصور میکنم در این موضوع - و نه تفاهمی شده است زیرا شاید تصور کرده اند آنها اینکه میگویند بایستی معارف مملکت را ترقی داده و مدارس معانی را باید زیاد کرد مقصودشان این باشد که بروند يك فرضهای استقلال شکنی از خارجه نمایند در صورتیکه هیچ این طور نیست هیچکس این حرف را نیز نزنند بروید از خارجه قرض کنید و خرج معارف کنید چون در این زمینه نمی خواهم زیاد صحبت کنم چند جمله بیشتر عرض نمیکنم یکی اینکه مملکتی که ملتش معارف ندارد و عالم نیست معنی استقلال را نمی فهمد اگر يك نظر اجمالی بسطع کره نمایم می بینیم آن ملکی که معارفشان کمتر است با هیچ ندارد بهمان نسبت در تحت قید و بند دیگران هستند و بهر اندازه معارفشان زیاد شده است مردم بی حقوق خودشان برده اند بهمان نسبت در صدمه هستند که زنجیر اسارت را پاره کنند اخبار جراید از مدتی قبل باین طرف شاید صدق عرایض بنده است . از معارف معنی استقلال فهمیده می شود از مدارس معنای وطن پرستی بلوح ساده طفل پرورش می کنند بهر حال یش از این نمیخواهم در این موضوع صحبت کنم و وارد می شوم در جزئیات ماده اول راجع به بودجه وزارت خانه و تشکیلات آن چون بنده نظرم این است که حتی الامکان باید گوشش کنند مخارج اداری را کم کنند در آن قسمت عرضی ندارم موضوع دوم صحبه است و يك اشکالی بنظر می آید که پیش بینی نشده و آن اینست که صحبه تاجندی قبل مربوط بوزارت معارف بوده و اخیراً جزء وزارت معارف شده است و يك حقوق جزئی دارد که شامل مجلس حفظالصحه و مریض خانه ها است البته هیئت معارف و مریض خانه ها يك مخارجی دارند و يك اداره خیلی کوچکی در وزارت معارف ما بیشتر شده است باسم اداره صحبه این اداره بودجه ندارد

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - اگر چه موضوع بعقیده بنده فوق العاده مهم است و بایستی در این زمینه زیاد حرف بزنیم ولی برای اینکه زیاد مزاحم خاطر آقایان نباشم سعی می کنم حتی الامکان عرایض خود را بطور اختصار عرض کنم و تذکراً خاطر آقایان را متوجه باین موضوع میکنم که چندین مرتبه در این مجلس در موقعیکه اسم معارف ببیان آمده است بعضی از نمایندگان اظهاری نمودند که استقلال مملکت بر معارف مقدم است و تصور میکنم در این موضوع - و نه تفاهمی شده است زیرا شاید تصور کرده اند آنها اینکه میگویند بایستی معارف مملکت را ترقی داده و مدارس معانی را باید زیاد کرد مقصودشان این باشد که بروند يك فرضهای استقلال شکنی از خارجه نمایند در صورتیکه هیچ این طور نیست هیچکس این حرف را نیز نزنند بروید از خارجه قرض کنید و خرج معارف کنید چون در این زمینه نمی خواهم زیاد صحبت کنم چند جمله بیشتر عرض نمیکنم یکی اینکه مملکتی که ملتش معارف ندارد و عالم نیست معنی استقلال را نمی فهمد اگر يك نظر اجمالی بسطع کره نمایم می بینیم آن ملکی که معارفشان کمتر است با هیچ ندارد بهمان نسبت در تحت قید و بند دیگران هستند و بهر اندازه معارفشان زیاد شده است مردم بی حقوق خودشان برده اند بهمان نسبت در صدمه هستند که زنجیر اسارت را پاره کنند اخبار جراید از مدتی قبل باین طرف شاید صدق عرایض بنده است . از معارف معنی استقلال فهمیده می شود از مدارس معنای وطن پرستی بلوح ساده طفل پرورش می کنند بهر حال یش از این نمیخواهم در این موضوع صحبت کنم و وارد می شوم در جزئیات ماده اول راجع به بودجه وزارت خانه و تشکیلات آن چون بنده نظرم این است که حتی الامکان باید گوشش کنند مخارج اداری را کم کنند در آن قسمت عرضی ندارم موضوع دوم صحبه است و يك اشکالی بنظر می آید که پیش بینی نشده و آن اینست که صحبه تاجندی قبل مربوط بوزارت معارف بوده و اخیراً جزء وزارت معارف شده است و يك حقوق جزئی دارد که شامل مجلس حفظالصحه و مریض خانه ها است البته هیئت معارف و مریض خانه ها يك مخارجی دارند و يك اداره خیلی کوچکی در وزارت معارف ما بیشتر شده است باسم اداره صحبه این اداره بودجه ندارد

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - اگر چه موضوع بعقیده بنده فوق العاده مهم است و بایستی در این زمینه زیاد حرف بزنیم ولی برای اینکه زیاد مزاحم خاطر آقایان نباشم سعی می کنم حتی الامکان عرایض خود را بطور اختصار عرض کنم و تذکراً خاطر آقایان را متوجه باین موضوع میکنم که چندین مرتبه در این مجلس در موقعیکه اسم معارف ببیان آمده است بعضی از نمایندگان اظهاری نمودند که استقلال مملکت بر معارف مقدم است و تصور میکنم در این موضوع - و نه تفاهمی شده است زیرا شاید تصور کرده اند آنها اینکه میگویند بایستی معارف مملکت را ترقی داده و مدارس معانی را باید زیاد کرد مقصودشان این باشد که بروند يك فرضهای استقلال شکنی از خارجه نمایند در صورتیکه هیچ این طور نیست هیچکس این حرف را نیز نزنند بروید از خارجه قرض کنید و خرج معارف کنید چون در این زمینه نمی خواهم زیاد صحبت کنم چند جمله بیشتر عرض نمیکنم یکی اینکه مملکتی که ملتش معارف ندارد و عالم نیست معنی استقلال را نمی فهمد اگر يك نظر اجمالی بسطع کره نمایم می بینیم آن ملکی که معارفشان کمتر است با هیچ ندارد بهمان نسبت در تحت قید و بند دیگران هستند و بهر اندازه معارفشان زیاد شده است مردم بی حقوق خودشان برده اند بهمان نسبت در صدمه هستند که زنجیر اسارت را پاره کنند اخبار جراید از مدتی قبل باین طرف شاید صدق عرایض بنده است . از معارف معنی استقلال فهمیده می شود از مدارس معنای وطن پرستی بلوح ساده طفل پرورش می کنند بهر حال یش از این نمیخواهم در این موضوع صحبت کنم و وارد می شوم در جزئیات ماده اول راجع به بودجه وزارت خانه و تشکیلات آن چون بنده نظرم این است که حتی الامکان باید گوشش کنند مخارج اداری را کم کنند در آن قسمت عرضی ندارم موضوع دوم صحبه است و يك اشکالی بنظر می آید که پیش بینی نشده و آن اینست که صحبه تاجندی قبل مربوط بوزارت معارف بوده و اخیراً جزء وزارت معارف شده است و يك حقوق جزئی دارد که شامل مجلس حفظالصحه و مریض خانه ها است البته هیئت معارف و مریض خانه ها يك مخارجی دارند و يك اداره خیلی کوچکی در وزارت معارف ما بیشتر شده است باسم اداره صحبه این اداره بودجه ندارد

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - اگر چه موضوع بعقیده بنده فوق العاده مهم است و بایستی در این زمینه زیاد حرف بزنیم ولی برای اینکه زیاد مزاحم خاطر آقایان نباشم سعی می کنم حتی الامکان عرایض خود را بطور اختصار عرض کنم و تذکراً خاطر آقایان را متوجه باین موضوع میکنم که چندین مرتبه در این مجلس در موقعیکه اسم معارف ببیان آمده است بعضی از نمایندگان اظهاری نمودند که استقلال مملکت بر معارف مقدم است و تصور میکنم در این موضوع - و نه تفاهمی شده است زیرا شاید تصور کرده اند آنها اینکه میگویند بایستی معارف مملکت را ترقی داده و مدارس معانی را باید زیاد کرد مقصودشان این باشد که بروند يك فرضهای استقلال شکنی از خارجه نمایند در صورتیکه هیچ این طور نیست هیچکس این حرف را نیز نزنند بروید از خارجه قرض کنید و خرج معارف کنید چون در این زمینه نمی خواهم زیاد صحبت کنم چند جمله بیشتر عرض نمیکنم یکی اینکه مملکتی که ملتش معارف ندارد و عالم نیست معنی استقلال را نمی فهمد اگر يك نظر اجمالی بسطع کره نمایم می بینیم آن ملکی که معارفشان کمتر است با هیچ ندارد بهمان نسبت در تحت قید و بند دیگران هستند و بهر اندازه معارفشان زیاد شده است مردم بی حقوق خودشان برده اند بهمان نسبت در صدمه هستند که زنجیر اسارت را پاره کنند اخبار جراید از مدتی قبل باین طرف شاید صدق عرایض بنده است . از معارف معنی استقلال فهمیده می شود از مدارس معنای وطن پرستی بلوح ساده طفل پرورش می کنند بهر حال یش از این نمیخواهم در این موضوع صحبت کنم و وارد می شوم در جزئیات ماده اول راجع به بودجه وزارت خانه و تشکیلات آن چون بنده نظرم این است که حتی الامکان باید گوشش کنند مخارج اداری را کم کنند در آن قسمت عرضی ندارم موضوع دوم صحبه است و يك اشکالی بنظر می آید که پیش بینی نشده و آن اینست که صحبه تاجندی قبل مربوط بوزارت معارف بوده و اخیراً جزء وزارت معارف شده است و يك حقوق جزئی دارد که شامل مجلس حفظالصحه و مریض خانه ها است البته هیئت معارف و مریض خانه ها يك مخارجی دارند و يك اداره خیلی کوچکی در وزارت معارف ما بیشتر شده است باسم اداره صحبه این اداره بودجه ندارد

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - اگر چه موضوع بعقیده بنده فوق العاده مهم است و بایستی در این زمینه زیاد حرف بزنیم ولی برای اینکه زیاد مزاحم خاطر آقایان نباشم سعی می کنم حتی الامکان عرایض خود را بطور اختصار عرض کنم و تذکراً خاطر آقایان را متوجه باین موضوع میکنم که چندین مرتبه در این مجلس در موقعیکه اسم معارف ببیان آمده است بعضی از نمایندگان اظهاری نمودند که استقلال مملکت بر معارف مقدم است و تصور میکنم در این موضوع - و نه تفاهمی شده است زیرا شاید تصور کرده اند آنها اینکه میگویند بایستی معارف مملکت را ترقی داده و مدارس معانی را باید زیاد کرد مقصودشان این باشد که بروند يك فرضهای استقلال شکنی از خارجه نمایند در صورتیکه هیچ این طور نیست هیچکس این حرف را نیز نزنند بروید از خارجه قرض کنید و خرج معارف کنید چون در این زمینه نمی خواهم زیاد صحبت کنم چند جمله بیشتر عرض نمیکنم یکی اینکه مملکتی که ملتش معارف ندارد و عالم نیست معنی استقلال را نمی فهمد اگر يك نظر اجمالی بسطع کره نمایم می بینیم آن ملکی که معارفشان کمتر است با هیچ ندارد بهمان نسبت در تحت قید و بند دیگران هستند و بهر اندازه معارفشان زیاد شده است مردم بی حقوق خودشان برده اند بهمان نسبت در صدمه هستند که زنجیر اسارت را پاره کنند اخبار جراید از مدتی قبل باین طرف شاید صدق عرایض بنده است . از معارف معنی استقلال فهمیده می شود از مدارس معنای وطن پرستی بلوح ساده طفل پرورش می کنند بهر حال یش از این نمیخواهم در این موضوع صحبت کنم و وارد می شوم در جزئیات ماده اول راجع به بودجه وزارت خانه و تشکیلات آن چون بنده نظرم این است که حتی الامکان باید گوشش کنند مخارج اداری را کم کنند در آن قسمت عرضی ندارم موضوع دوم صحبه است و يك اشکالی بنظر می آید که پیش بینی نشده و آن اینست که صحبه تاجندی قبل مربوط بوزارت معارف بوده و اخیراً جزء وزارت معارف شده است و يك حقوق جزئی دارد که شامل مجلس حفظالصحه و مریض خانه ها است البته هیئت معارف و مریض خانه ها يك مخارجی دارند و يك اداره خیلی کوچکی در وزارت معارف ما بیشتر شده است باسم اداره صحبه این اداره بودجه ندارد

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - اگر چه موضوع بعقیده بنده فوق العاده مهم است و بایستی در این زمینه زیاد حرف بزنیم ولی برای اینکه زیاد مزاحم خاطر آقایان نباشم سعی می کنم حتی الامکان عرایض خود را بطور اختصار عرض کنم و تذکراً خاطر آقایان را متوجه باین موضوع میکنم که چندین مرتبه در این مجلس در موقعیکه اسم معارف ببیان آمده است بعضی از نمایندگان اظهاری نمودند که استقلال مملکت بر معارف مقدم است و تصور میکنم در این موضوع - و نه تفاهمی شده است زیرا شاید تصور کرده اند آنها اینکه میگویند بایستی معارف مملکت را ترقی داده و مدارس معانی را باید زیاد کرد مقصودشان این باشد که بروند يك فرضهای استقلال شکنی از خارجه نمایند در صورتیکه هیچ این طور نیست هیچکس این حرف را نیز نزنند بروید از خارجه قرض کنید و خرج معارف کنید چون در این زمینه نمی خواهم زیاد صحبت کنم چند جمله بیشتر عرض نمیکنم یکی اینکه مملکتی که ملتش معارف ندارد و عالم نیست معنی استقلال را نمی فهمد اگر يك نظر اجمالی بسطع کره نمایم می بینیم آن ملکی که معارفشان کمتر است با هیچ ندارد بهمان نسبت در تحت قید و بند دیگران هستند و بهر اندازه معارفشان زیاد شده است مردم بی حقوق خودشان برده اند بهمان نسبت در صدمه هستند که زنجیر اسارت را پاره کنند اخبار جراید از مدتی قبل باین طرف شاید صدق عرایض بنده است . از معارف معنی استقلال فهمیده می شود از مدارس معنای وطن پرستی بلوح ساده طفل پرورش می کنند بهر حال یش از این نمیخواهم در این موضوع صحبت کنم و وارد می شوم در جزئیات ماده اول راجع به بودجه وزارت خانه و تشکیلات آن چون بنده نظرم این است که حتی الامکان باید گوشش کنند مخارج اداری را کم کنند در آن قسمت عرضی ندارم موضوع دوم صحبه است و يك اشکالی بنظر می آید که پیش بینی نشده و آن اینست که صحبه تاجندی قبل مربوط بوزارت معارف بوده و اخیراً جزء وزارت معارف شده است و يك حقوق جزئی دارد که شامل مجلس حفظالصحه و مریض خانه ها است البته هیئت معارف و مریض خانه ها يك مخارجی دارند و يك اداره خیلی کوچکی در وزارت معارف ما بیشتر شده است باسم اداره صحبه این اداره بودجه ندارد

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - اگر چه موضوع بعقیده بنده فوق العاده مهم است و بایستی در این زمینه زیاد حرف بزنیم ولی برای اینکه زیاد مزاحم خاطر آقایان نباشم سعی می کنم حتی الامکان عرایض خود را بطور اختصار عرض کنم و تذکراً خاطر آقایان را متوجه باین موضوع میکنم که چندین مرتبه در این مجلس در موقعیکه اسم معارف ببیان آمده است بعضی از نمایندگان اظهاری نمودند که استقلال مملکت بر معارف مقدم است و تصور میکنم در این موضوع - و نه تفاهمی شده است زیرا شاید تصور کرده اند آنها اینکه میگویند بایستی معارف مملکت را ترقی داده و مدارس معانی را باید زیاد کرد مقصودشان این باشد که بروند يك فرضهای استقلال شکنی از خارجه نمایند در صورتیکه هیچ این طور نیست هیچکس این حرف را نیز نزنند بروید از خارجه قرض کنید و خرج معارف کنید چون در این زمینه نمی خواهم زیاد صحبت کنم چند جمله بیشتر عرض نمیکنم یکی اینکه مملکتی که ملتش معارف ندارد و عالم نیست معنی استقلال را نمی فهمد اگر يك نظر اجمالی بسطع کره نمایم می بینیم آن ملکی که معارفشان کمتر است با هیچ ندارد بهمان نسبت در تحت قید و بند دیگران هستند و بهر اندازه معارفشان زیاد شده است مردم بی حقوق خودشان برده اند بهمان نسبت در صدمه هستند که زنجیر اسارت را پاره کنند اخبار جراید از مدتی قبل باین طرف شاید صدق عرایض بنده است . از معارف معنی استقلال فهمیده می شود از مدارس معنای وطن پرستی بلوح ساده طفل پرورش می کنند بهر حال یش از این نمیخواهم در این موضوع صحبت کنم و وارد می شوم در جزئیات ماده اول راجع به بودجه وزارت خانه و تشکیلات آن چون بنده نظرم این است که حتی الامکان باید گوشش کنند مخارج اداری را کم کنند در آن قسمت عرضی ندارم موضوع دوم صحبه است و يك اشکالی بنظر می آید که پیش بینی نشده و آن اینست که صحبه تاجندی قبل مربوط بوزارت معارف بوده و اخیراً جزء وزارت معارف شده است و يك حقوق جزئی دارد که شامل مجلس حفظالصحه و مریض خانه ها است البته هیئت معارف و مریض خانه ها يك مخارجی دارند و يك اداره خیلی کوچکی در وزارت معارف ما بیشتر شده است باسم اداره صحبه این اداره بودجه ندارد

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - اگر چه موضوع بعقیده بنده فوق العاده مهم است و بایستی در این زمینه زیاد حرف بزنیم ولی برای اینکه زیاد مزاحم خاطر آقایان نباشم سعی می کنم حتی الامکان عرایض خود را بطور اختصار عرض کنم و تذکراً خاطر آقایان را متوجه باین موضوع میکنم که چندین مرتبه در این مجلس در موقعیکه اسم معارف ببیان آمده است بعضی از نمایندگان اظهاری نمودند که استقلال مملکت بر معارف مقدم است و تصور میکنم در این موضوع - و نه تفاهمی شده است زیرا شاید تصور کرده اند آنها اینکه میگویند بایستی معارف مملکت را ترقی داده و مدارس معانی را باید زیاد کرد مقصودشان این باشد که بروند يك فرضهای استقلال شکنی از خارجه نمایند در صورتیکه هیچ این طور نیست هیچکس این حرف را نیز نزنند بروید از خارجه قرض کنید و خرج معارف کنید چون در این زمینه نمی خواهم زیاد صحبت کنم چند جمله بیشتر عرض نمیکنم یکی اینکه مملکتی که ملتش معارف ندارد و عالم نیست معنی استقلال را نمی فهمد اگر يك نظر اجمالی بسطع کره نمایم می بینیم آن ملکی که معارفشان کمتر است با هیچ ندارد بهمان نسبت در تحت قید و بند دیگران هستند و بهر اندازه معارفشان زیاد شده است مردم بی حقوق خودشان برده اند بهمان نسبت در صدمه هستند که زنجیر اسارت را پاره کنند اخبار جراید از مدتی قبل باین طرف شاید صدق عرایض بنده است . از معارف معنی استقلال فهمیده می شود از مدارس معنای وطن پرستی بلوح ساده طفل پرورش می کنند بهر حال یش از این نمیخواهم در این موضوع صحبت کنم و وارد می شوم در جزئیات ماده اول راجع به بودجه وزارت خانه و تشکیلات آن چون بنده نظرم این است که حتی الامکان باید گوشش کنند مخارج اداری را کم کنند در آن قسمت عرضی ندارم موضوع دوم صحبه است و يك اشکالی بنظر می آید که پیش بینی نشده و آن اینست که صحبه تاجندی قبل مربوط بوزارت معارف بوده و اخیراً جزء وزارت معارف شده است و يك حقوق جزئی دارد که شامل مجلس حفظالصحه و مریض خانه ها است البته هیئت معارف و مریض خانه ها يك مخارجی دارند و يك اداره خیلی کوچکی در وزارت معارف ما بیشتر شده است باسم اداره صحبه این اداره بودجه ندارد

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - اگر چه موضوع بعقیده بنده فوق العاده مهم است و بایستی در این زمینه زیاد حرف بزنیم ولی برای اینکه زیاد مزاحم خاطر آقایان نباشم سعی می کنم حتی الامکان عرایض خود را بطور اختصار عرض کنم و تذکراً خاطر آقایان را متوجه باین موضوع میکنم که چندین مرتبه در این مجلس در موقعیکه اسم معارف ببیان آمده است بعضی از نمایندگان اظهاری نمودند که استقلال مملکت بر معارف مقدم است و تصور میکنم در این موضوع - و نه تفاهمی شده است زیرا شاید تصور کرده اند آنها اینکه میگویند بایستی معارف مملکت را ترقی داده و مدارس معانی را باید زیاد کرد مقصودشان این باشد که بروند يك فرضهای استقلال شکنی از خارجه نمایند در صورتیکه هیچ این طور نیست هیچکس این حرف را نیز نزنند بروید از خارجه قرض کنید و خرج معارف کنید چون در این زمینه نمی خواهم زیاد صحبت کنم چند جمله بیشتر عرض نمیکنم یکی اینکه مملکتی که ملتش معارف ندارد و عالم نیست معنی استقلال را نمی فهمد اگر يك نظر اجمالی بسطع کره نمایم می بینیم آن ملکی که معارفشان کمتر است با هیچ ندارد بهمان نسبت در تحت قید و بند دیگران هستند و بهر اندازه معارفشان زیاد شده است مردم بی حقوق خودشان برده اند بهمان نسبت در صدمه هستند که زنجیر اسارت را پاره کنند اخبار جراید از مدتی قبل باین طرف شاید صدق عرایض بنده است . از معارف معنی استقلال فهمیده می شود از مدارس معنای وطن پرستی بلوح ساده طفل پرورش می کنند بهر حال یش از این نمیخواهم در این موضوع صحبت کنم و وارد می شوم در جزئیات ماده اول راجع به بودجه وزارت خانه و تشکیلات آن چون بنده نظرم این است که حتی الامکان باید گوشش کنند مخارج اداری را کم کنند در آن قسمت عرضی ندارم موضوع دوم صحبه است و يك اشکالی بنظر می آید که پیش بینی نشده و آن اینست که صحبه تاجندی قبل مربوط بوزارت معارف بوده و اخیراً جزء وزارت معارف شده است و يك حقوق جزئی دارد که شامل مجلس حفظالصحه و مریض خانه ها است البته هیئت معارف و مریض خانه ها يك مخارجی دارند و يك اداره خیلی کوچکی در وزارت معارف ما بیشتر شده است باسم اداره صحبه این اداره بودجه ندارد

چرا بجهت این که این دوست و پنجاه هزار تومان که این جا نوشته شده است مخصوص است و مخارج جاهای معینی دارند و از آنجا هم میشود کسر کرد بنا بر این برای مخارج اداره صبحه هیچ پیش بینی نشده و در این خصوص ممکن است حد اقل مخارجش سه هزار تومان پیش بینی شود ولی در این جا چیزی نوشته شده است و ممکن است بعد تولید اشکال کند.

اما مدارس طهران و حومه خاطر آقایان کاملاً مستحضرات مدارس که در طهران است بردو قسم است ملی و دولتی مدارس دولتی هم دو قسم است مجانی و غیر مجانی و چهل باب مدرسه ابتدائی مجانی که سی باب آن ذکور و دو باب اناث است در این شهر دائر است و تمام بخرج دولت اداره می شود و چندین باب مدرسه دیگر است اسماً متوسطه باین معنی که مرکب است از یک دوره ابتدائی و چند کلاس متوسطه دارالفنون است دارالمعلمین است طب است و غیره... با آنها کاری نداویم مدارس طهران و حومه این مدارس مؤسسه امروز نیست از چند سال قبل باین طرف تأسیس شده است و این مقدار وجهی که برای این مدارس معین شده است خرج جاری امساله مدارس است و معایبی که این لایحه وارد این است که اولاً این مصارف اعتباری برای سال آتی است و این مخارج نمیتواند مدرک برای سال آتی شود چرا که برای اینکه این مدارس دولتی بعضی هستند که دارای پنج کلاس هستند و در سال آتی باید دارای شش کلاس بشوند و نمیتواند بگویند که بر همان پنج کلاس باقی باشد مثلاً بیست و سه باب از مدارس ذکور و اناث مجانی دارای پنج کلاس است و سال آتی بهر کدام یک کلاس اضافه خواهد شد این بود چه برای سال آتی است دارالمعلمیات است که آن ها هم دوره شش ساله را ندارند و سال آتی بر کلاس های آن افزوده خواهد شد و چنانچه عرض کردم این بود چه برای سال آتی است و قبل از اینکه منتظر باشم وزیر معارف یک لایحه بیاورد و تقدیم مجلس کند و یک ادله ذکر کند که ما به این دلیل این کلاس ها را لازم می دانیم قبلاً باید این مسئله پیش بینی شود والا تولید یک زحمت هائی خواهد کرد دیگر این که در این مجلس که حقیقتاً اسم معارف خیلی اهمیت دارد و همه آقایان هم بآن اهمیت می دهند اگر کسی از این مجلس سؤال کند که شما برای معارف چه کردید کدام کلاس را اضافه کردید ما جواب نداریم اگر بگوئیم ما حفظ موسسات سابقه خود را بقاء کرده ایم این جواب متقاعد کننده نیست زیرا نمی شود از این کلاس های چیزی حذف کرد نواقص دیگری هم هست از جمله این که این مدارس موجوده تمام ابتدائی است تحصیلات عمومی ابتدائی در آن ها می شود مثلاً با شصت احتیاجی که ما امروز به مدارس صنعتی داریم از این بود چه هیچ پیش بینی نشده است در صورتیکه بقیده بنده فوق العاده لازم و ضروری است که از این شهر چندین باب مدارس صنعتی ایجاد شود که هم کمک بدولت و ملت کند و هم برای عامه نافع و سودمند باشد کمک بمال دولت می شود برای اینکه مدارس صنعتی را

که تأسیس و افتتاح کنند باعث ترفی مملکت می شود و در نتیجه یکدمه از محصولین از این به بعد در عقب صنعت خواهند رفت و از نتیجه تحصیل خودشان استفاده میکنند و دیگر بعضی اینکه از مدرسه بیرون می آیند مجبور نخواهند بود ادارات دولتی را تحت فشار در آورند. پس بقیده بنده از جمله چیزهای فوق العاده لازم که در این بود چه پیش بینی شده است ایجاد چند باب مدرسه صنعتی در طهران و سایر ایالات و ولایات است دوم مدارس نسوان است بطور اجمال خاطر آقایان را متذکر میشوم این چهل باب مدرسه مجانی (که بنده حقیقتاً در این موضوع خیلی کوشش کردم و منتی هم بر کسی نمی گذارم) در بدو امر همه این چهل باب مختص بنذکور بوده و اساسی از اناث در بین نبود و بنا بود برای مدارس اناث یک پیشنهاد دیگر بشود بعد از اینکه تصویب شد وزیر معارف وقت خواست از موقع استفاده بکنند گفت ده باب از این مدارس را تخصیص باناث داده ایم بنده در آنوقت مخالف بودم و گفتم این اختصاص شما باعث میشود که به این زودی نمیتوان لایحه بدولت پیشنهاد کرد و تقاضای اضافه مدارس نسوان نمود بالاخره با اهمیتی که نسوان در عالم بشریت دارند و بر همه مشهود است که ترتیب اولاد و اخلاق خانوادگی و سعادت طفل فقط منحصر به ترتیب نسوان است متأسفانه تاکنون بهیچ وجه بر این مسئله اهمیت بزرگی نداده ایم (انجمن تحت اقدام الامهات) یکی از مسائل مسلمه است و بقیده بنده نسبت به نسوان ظلم فاحشی شده ما امروزه فوق العاده احتیاج به ترتیب اولاد و اطفال خود داریم زیرا اطفال از زمانی که متولد می شود تا سن هفت سالگی که به مدرسه می رود در صورتیکه پسر هم باشد از ما مادر بیشتر محشور است تا به پدر چه رسد به اینکه دختر باشد بنده متقدم که باید رعایتی نسبت به مدارس نسوان بشود باین معنی که برعهده مدارس نسوان اضافه شود و در همین حال متقدم که پیشنهاد خاص و دستور العمل مختص برای کلاس نسوان و ترتیب آنان معین گردد که قسمت اعظمش راجع به ترتیب اولاد و خانه داری و تعلیم اطفال و بر آوردن حوائج زندگانی و شوهر داری و کدبانوگری و امثال این ها باشد ولی این جا هیچ اشاره نشده . دیگر کلاس درس اکابر است ما تا امروز فقط بر ترتیب اطفال متوجه شده ایم و توجه خود را معطوف به تربیت اطفال خورد رسال شش هفت ساله نموده ایم غافل از اینکه یک ففعلت بزرگی کرده ایم مطابق راپورت رسمیکه در سنه ۱۳۲۹ از طرف وزارت معارف اشته پیدا کرده و طبع شده در آن تاریخ به موجب آن راپورت در تمام ایران صدی یک نفر نوین با سواد نبود گر چه از آن تاریخ تا حال ترقی کرده ولی یقیناً بیشتر از صدی پنج ترقی نکرده و باز صدی نود و پنج از اکابر جاهل اند و علت اینکه امروزه ما راه استعمال آزادی را گم کرده ایم همین است که چهل هومی در سرتاسر مملکت حکم فرماست چرا اکابر نباید طرف توجه واقع گردد کلاس های اکابر بقیده بنده بقدر لزوم لازم است و در تمام نقاط مهمه ایران باید دائر کرد و برای اشخاصیکه بزرگ اند کاسب اند و نوکرند

و در هر مرحله که باشند در هر حال ایرانی هستند باید در آن مدارس بروند خواندن و نوشتن را بیاموزند ولی متأسفانه وقتی که کلاس های اکابر شخصی هم تأسیس می شود عوض اینکه اهمیتی بفارسی و خواندن و نوشتن داده شود فوراً السنه خارجه را تدریس میکنند بنده منکر السنه خارجه نیستم و متقدم که هر کسی بعد هر چند زبانی که می داند در حکم چند نفر است . مثلاً اگر یک کسی که یک زبان بداند یک نفر است و اگر دو زبان بداند دو نفر و سه زبان ۳ نفر است هیچکسی منکر نیست که اگر امروزه ملتی السنه خارجه را نداند نمی تواند زندگی کند ولی ما باید فوق العاده اهمیت بزبان فارسی بدهیم و بعد از اینکه زبان ملی خود را بطور کامل آموختیم آن وقت می توانیم زبان دیگری را بیاموزیم اما قسمت دیگری که راجع به تربیت و تهیه معلم است . یک مدرسه دارالمعلمین ما در تمام ایران یعنی در طهران داریم و این یک مدرسه کافی نیست معلم زیاد و کافی برای ما تهیه و تربیت کنند فقط صد معدودی را می تواند تربیت کند و مخصوصاً بنده متقدم که باید مدارس زیادی در طهران برای تعلیم اشخاصی که بخواهند معلم بشوند تأسیس گردد و هیچک از این مسائل در این بود چه پیش بینی نشده است و ما مدام که رعایت حقوق نسوان نشده کلاس درس برای اکابر و راجا و کاسب و نوکر بلی و غیره تأسیس نشده و مدارس چند برای اشخاصی که نمی خواهند علم آموز گاری را بیاموزند ایجاد نشده کاری برای معارف نکرده و قدمی برای پیشرفت آن برنداشته ایم و این ها که کرده ایم ابقاء الشبثی هلی ما کن بیشتر نیست و این مدارس که فعلاً موجود است دیگران تهیه کرده اند اما در موضوع معلمین خارجی بنده یک اشاراتی دارم که باید عرض کنم البته کثرتی با آنها شده و مقوله و امثال این ها باشد ولی این جا هیچ اشاره نشده . دیگر کلاس درس اکابر است ما تا امروز فقط بر ترتیب اطفال متوجه شده ایم و توجه خود را معطوف به تربیت اطفال خورد رسال شش هفت ساله نموده ایم غافل از اینکه یک ففعلت بزرگی کرده ایم مطابق راپورت رسمیکه در سنه ۱۳۲۹ از طرف وزارت معارف اشته پیدا کرده و طبع شده در آن تاریخ به موجب آن راپورت در تمام ایران صدی یک نفر نوین با سواد نبود گر چه از آن تاریخ تا حال ترقی کرده ولی یقیناً بیشتر از صدی پنج ترقی نکرده و باز صدی نود و پنج از اکابر جاهل اند و علت اینکه امروزه ما راه استعمال آزادی را گم کرده ایم همین است که چهل هومی در سرتاسر مملکت حکم فرماست چرا اکابر نباید طرف توجه واقع گردد کلاس های اکابر بقیده بنده بقدر لزوم لازم است و در تمام نقاط مهمه ایران باید دائر کرد و برای اشخاصیکه بزرگ اند کاسب اند و نوکرند

وزارت معارف باید این نکته را کاملاً رعایت کند و در آتی ساعات تدریس آنها را معلوم کند زیرا با ۱۰ ساعت درس کافی نیست و باید ساعات تدریس را از بیشتر قرار دهند و دیگر اینکه لازم است ما یک عده اشخاصی را همیشه تشویق و ترغیب کنیم برای اینکه بیایند و زحمت علمی را قبول کنند و یکی از طرق تشویق از دیاد حقوق آنهاست بنده نمی دانم چه ترتیبی است و بدون اینکه طرفنداری کرده باشم عرض میکنم که معلمین ایرانی فوق العاده زحمت میکنند و تمام وقت خود را در هفته صرف تدریس میکنند و شاید متجاوز از سی ساعت در هفته کار میکنند آنوقت حد اقل حقوق آن ها ۲۱ تومان و حد اکثرش ۴۸ تومان است . این حقوقی است که باین بدبختها داده می شود در صورتیکه در مقابل ماهی سیصد و چهارصد تومان بدیگران تادیب می شود . بنده تصور میکنم اگر درست به معلمین حقوق داده شود در آتی بجای اینکه مردم با ادارات دولتی حمله کنند عده هم حاضر خواهند شد زحمت کشیده معلومات خودشان را تکمیل و رفع نواقص از خودشان بکنند و شغل معلم اختیار بنمایند بنده غالب اوقات گرفتار معلم هستم و با اینکه حقوق مرتب هم با آنها بدهیم و نمی گذاریم حقوق آنها عقب بیفتد باز می بینم نهایت سعی و کوشش را دارند که خود را در ادارات دولتی داخل کنند و معلمی را ترک گفته بروند مستخدم ادارات شوند چرا؟ یا برای این که انصافاً حقوق آنها کم است مدیر مدرسه باید یک مدرسه ابتدائی شش ساله را اداره کند در صورتی که ناظم هم ندارد آنوقت باو فقط ماهی پنجاه تومان داده میشود در صورتی که در یک وزارتخانه این مبلغ مواجب بکنفر منشی است این جا یک چیز هائی است که باید رعایت و منظور شود مثلاً اگر چنانچه امروز وزارت معارف حاضر شود حقوق سیصد تومانی معلم ایرانی بدهد طبعاً معلم ایجاد میشود آدمیم بر سر ایالات و ولایات از مذاکراتی که در جلسه قبل راجع با ایالات و ولایات شد تقریباً اینطور فهمیده میشد که موضوع حیدری و نعمتی بیان آمده در صورتی که ناطق معترم مقصودشان این نبود راجع بتناسب بین ایالات و ولایات بنده معتقد بر این حرف نیستم که بگویم بنده طهرانیم آقا کاشانی یا آقا شهبازی بنده معتقد که همه ما ایرانی هستیم و هیچ فرقی بین طهرانی و کاشانی و تبریزی نباید بگذاریم فقط باید موقعیت محل را در نظر بگیریم و تشخیص بدهیم در هر نقطه باندازه ای که لازم است و میتوانیم مدرسه تأسیس کنیم اقدام نمائیم بنده نسبت بیولی که برای ایالات و ولایات تشخیص داده شده است مخالفم بجهت چه بجهت این که اگر ما با آیم توری از روی قانون حساب خود و تا چهارتا می شود نگاه کنیم تصور می کنیم این مبلغ خیلی جزئی می شود زیرا ما چهار ایالت مهم داریم و اگر هر چه حالا ایالت زیاد شده ولی آنچه در قانون وزارت داخله است چهار ایالت بیشتر نیست

که عبارت است از آذربایجان خراسان و فارس و کرمان و بلوچستان باید اول بینم چه مقدار می خواهیم در سال تخصیص باین ایالات بدهیم این هارا باید در نظر گرفت مثلاً می خواهیم ماهی دوهزار تومان از برای خراسان تخصیص بدهیم باید دید آیا باین مبلغ می شود مدرسه درست کرد و تشکیلات معارفی داد یا نه؟ بنده گمان می کنم بشود بهر یک از ایالات کمتر از بیست و پنج هزار تومان اختصاص بدهیم این بیست و پنج هزار تومان قطعاً در سال ۳ هزار تومان خرج و مصرف اداری دارد مابقی بیست و دوهزار تومان می شود که متعلق به مدارس است در وقت حساب معلوم می شود که این مبلغ بهیچ جا نمیرسد اما اگر بخواهیم معنی برای این مخارج پیدا کنیم چون فقط در مقابل این ها جواب شنیده می شود که خزانه تهی است و محل نداریم بنده تصور می کنم اینطور نیست چرا؟ بجهت اینکه ماخذ هایدات بقول بعضی آقایان صورت عظیم الجثه بود که آورده و بدیوار اطاق چسبانیدند و در همان تاریخ بنده در نظر دارم هایدات خراسان را درسته گذشته چهار صد و هشتاد هزار تومان نوشته بودند ولی اخیراً از طرف وزارت مالیه در جواب بنده شرحی نوشته شده و هایدات خراسان مطابق صورتی که در دست است نهصد و نه هزار و کسری است حالا اگر قدری دقیق شویم و سایر هایدات را هم در نظر بگیریم از همین قبیل است و حالا بنده نسبت به طهران عرض می کنم که یکی از معلمات هایدی برای مدارس مجانی بلدیهای محل است این پول را که بلدی به تهران می گیرد چه مقدار آن را تخصیص به مدارس طهران داده است در صورتی که باید یکمبلغ متناسبی تخصیص بدهد قانون بلدی به و قانون معارف هم همین را میگوید که باید بلدی کک بکند مسئله دیگری که تصور می کنم طرف حمله آقایان واقع خواهد شد (ولی بنده همیشه حقیقت را عرض می کنم و اورا مؤثر تر میدانم ، مسئله اوقاف است نمی گویم همه اوقاف بلکه همان اوقافی را که قانون اجازه داده و تصویب کرده است بنده چندسال عایدی اوقاف بخوبی می توانم چند باب مدرسه ایتم باز کنید ولی متأسفانه بخرج نرفت و حالا هم عرض می کنم که در سال گذشته از عوائد اوقاف مطابق اطلاعات بنده متجاوز از سی هزار تومان گرفته شده و هیچ صرف معارف نشده فقط عنوان کرد و خورده بود بنده متقدم که تمام این هارا باید گرفت و صرف معارف کرد و تمام این ها یک مایب اداری است که در وزارت معارف موجود است و باید نواقص او را اصلاح کرد و این مایب را از بین برد ، قسمت دیگری که بقیده بنده خیلی مهم است و اگر آن را تعقیب نکنیم دیگر محتاج نخواهیم بود مالیات جدیدی بر ملت تحصیل کنیم قسمت مستمریات مهمه است اشخاص درجه اول این مملکت که دارای همه چیز هستند هیچ احتیاجی بگرفتن هزار تومان و دوهزار تومان شهریه ندارند

نباید چیزی بگیرند تا وقتی کتابچه مستمرات را که مبدل شهریه شده ملاحظه کنیم در آن صورت اشخاصی را می بینم که شهریه می گیرند که حقیقتاً هیچ احتیاجی ندارند بنده عقیده دارم که فعلاً باید خدمت معارف بکنند نه لفظاً این است که عرض می کنم طرفدار جدی و حقیقی معارف خیلی کم است و دلیلش این است که شانزده سال است مشروطیت در ایران قدم گذاشته آیا در این مدت کدام مدرسه جدید را تأسیس کرده ایم کدام اعانه بزرگ را به معارف اعطا کرده ایم فقط در این مدت پنج شش مدرسه کاردن پارتی و نمایش و غیره تأسیس شده است پس خوب است آقایانی که مواجب گرفتارند و بعداً احتیاجی بگرفتن شهریه ندارند در این موقع به معارف کمک و اعانتی فرمایند بنده عرض می کنم که این مبلغ خیلی گرفتار می شود ولی افلا پنجاه هزار تومان هم که بشود باز خود این مبلغ کمکی به معارف خواهد بود لذا بنده عقیده دارم این مواجب های زیبای حذف و اختصاص به معارف داده شود نه اینکه مختصر مواجب فلان مستحق حذف شود اما مالیات بر تجمل و غیره که فرمودند حالا که تجمل نداریم اگر بعدها که تجمل پیدا کردیم وضع مالیات بر آن عیبی ندارد

مخبر — بنده قبل از اینکه جوابی عرض کنم باید خیلی اظهار خوشوقتی و امتنان کنم که یک نطق مفصل و بیان متینی که تمام راجع بمسائل علمی و مبنی بر یک اطلاعات عمیق اداری بود امشب شنیدم و تصور میکنم مجاز باشم اظهار تأسف کنم که چرا این اطلاعات در دوائر دولتی مانیست زیرا بالاخره پس از اینکه تمام این قضایا را از طرف کمیسیون تصدیق کنم آنوقت آقای تدین باید عرض کند که راه حل این مسئله چیست ؟ شما معایب را فرمودید اما راه حل و چاره را فرمودید مثلاً میفرمایند سی باب مدرسه ابتدائی که فعلاً هست باید سال آینده یک مدرسه اضافه شود این اطلاع را بنده با سایر اعضاء و افراد کمیسیون اگر نداشته باشم معذورم اگر چه خود اینها یک معایب است ولی بالاخره باید راه حلی برای اینها پیدا کرد بنده با این اطلاعاتی که در این مدت در کمیسیون تحصیل کرده ام گمان میکنم اگر بعضی مسائل را به ایشان تذکر دهم تصدیق خواهند فرمود مثلاً در طهران در حومه طهران پنجاه باب مدرسه ابتدائی مجانی داریم که ده باب در حومه و چهل باب در خود شهر است و از این چهل باب مدرسه که در طهران است سی باب راجع بذکور و ده باب راجع به اناث است بنده تحقیق کردم که بینم در تمام پنجاه باب مدرسه دمه شاگردی که تحصیل می کنند چقدر است بنده مطابق اطلاعاتی که بدست آورده ام و تصور میکنم خود آقای تدین هم تصدیق فرمودند کلیه این مدارس رویم رفته بیشتر از هفت هشت هزار شاگرد ندارد . . .

قدین — بیشتر است .

مخبر — اگر هم بیشتر باشد در همین حدود و تجاوز از ده هزار نفر شاگرد نیست و وقتی که عده شاگردان

را تقسیم بمدارس می بینیم مغالقم هر مدرسه دوست نفر شاگرد ندارد.

ملاحظه فرمائید يك مدرسه بامدير و ناظم و معلم و نوکر و پنج یا شش کلاس آنوقت تمام این مؤسسه و تشکیلات برای اداره کردن و تربیت کردن دوست نفر شاگرد است حالا این نقص مدارس نیست بعضی از مدارس کمتر شاگرد دارند برخی زیادتر آنرا کار ندارم تمام این ها برای این است که ادارات عادت کنند و از طرز قدیمه که سالها بآن عمل می کردند منحرف شوند و صرف نظر کنند زیرا ممکن است روزیهم خیال کرد عوض پنجاه مدرسه در طهران و اطراف بیست مدرسه هر کدام شاگرد پیدا کنند و آنوقت يك صرفه جوئی ملحوظ می شود عمده کلاسها هم ممکن است زیاد شود علی الخصوص که میتوان از صرفه جوئی بر حقوق معلمین که عمه ماها تصدیق داریم کم است و نمیتواند با ماهی بیست و يك تومان زندگانی کند اضافه کرد.

آقای تدین شرحی راجع بمدارس صنعتی بیان فرمودند و بنده را متذکر بامری کردند که اگر انشاء الله ماده ۱۱ امشب تصویب شود بصورت يك ماده الحاقیه این پیشنهاد را خواهم کرد اینکه در جزعاهانه مدارس خارجه دوازده هزار تومان کسر شده است اهانه مدرسه آلمانی است و علت هم این بوده که مدرسه آلمانی دایر نبوده ولی حالا مطابق اطلاعات حاصلی مدرسه آلمانی صاف قریب افتتاح می شود و مدرسه صنعتی خواهد بود و ممکن است آنوجه اهانه که حذف شود برای آن مدرسه تصویب شود و این یکی از چیز هائی است که فوق العاده حائز اهمیت است بنده کاملاً با تأسیس مدارس صنعتی موافقم و باید صنعت را در مملکت ترویج کنیم.

ولی بطوریکه بنده شنیده ام از بودجه بلدییه هم تأسیس چند باب مدرسه صنعتی را در نظر گرفته اند و این مسئله اگر صحیح باشد هم مدارس صنعتی که آقای تدین لزوم آنرا بیان فرموده تأسیس خواهد شد و هم بلدییه آن کمکی را که باید بکند کرده است اما راجع بمدارس نسوان و کلاس اکابر که آقای تدین فرموده بودند تمام این ها يك حقایقی است که بنده هر چه بخواهم بگویم باز باید فرمایشات ایشان را تأیید کنم ولی از نقطه نظر مغبری کمیسیون مجبوزم عرض کنم که باید قائل بتدریج شد و عملاً تا امروزه باید در تکمیل يك چیزهای موجوده بیشتر کوشید و همان طوریکه فرمودند موجود را نباید بحال خود باقی گذارد و هر طور هست آنرا باید تکمیل نموده

راجع بمعلمین اروپائی که بموجب کنتراست مستخدم شده اند فرمودند وزارت معارف طوری ایشان را باید کنتراست کنند که ببرد بخورند البته این از وظایف وزارت معارف است که باید تشخیص بدهد برای چه دروس این معلمین را کنتراست می کنند تا بحال تصصیراتی که شده بود بیشتر معلمین اروپائی را برای دروس عالی؛ از قبیل فیزیک شیمی یا طب جراحی و غیره کنتراست می کردند و تصدیق فرمائید که برای این قبیل از

دروس بیشتر از ده ساعت وقت در هفته لازم نیست این ها را در هر حال باید وظایف خود را ادا کرده علمی که بآنها رجوع شده است بیاموزند کار آنها غیر از کار تعلیم ابتدائی است زیرا بطوریکه عرض شد آن هاهر کدام برای دروس و مواد معینی انتخاب می شوند البته حالا باید وزارت معارف تمام این را در نظر بگیرد و حتی امکان باید سعی کند که از وجود آنها بیشتر استفاده کند خلاصه این که تمام مطالبی را که ایشان فرمودند قابل توجه است بنده تذکری دهم همان طور که سابقاً گفته شده و دولت هم تأکید کرد مخصوصاً امروز آقای رئیس الوزرا به بنده فرمودند که از قول ایشان اظهار کنم نظر دولت این نیست که بودجه معارف تا آخر سال همین طور باشد خبری بلکه دولت در نظر دارد يك مبلغی از همین محل ثانی بفرمائید کمیسیون بودجه هم مشغول است بمرور خواه نسبت به بودجه ولایات خواه نسبت بمركزیك تکمیلاتی اضافه شود و این مبلغ هجالتاً حداقل اعتبار بودجه را برای سال آتی تعیین می کند و البته هم ما ساعی خواهیم بود و دولت هم نهایت سعی و کوشش را خواهد داشت که بعد بودجه معارف را زیاد کند

وزیر معارف - روی هم رفته باید بنده باید تشکر کنم از آقایان نمایندگان این دوره که نسبت بمعارف بذل مساعدتی فرموده و در از دیاد بودجه و تکمیل نواقص آن بیاناتی بلیغ ایراد فرموده و البته این حسن نیتی است که بوزارت معارف روی آور شده و البته دولت وزارت معارف هم از این حسن نیت کمال تشکر و امتنان را دارد و بخصوص از توجهات آقای تدین تشکر میکنیم توضیحات کاملی بیان کردند در واقع ایشان يك اطلاعات کامل از اداره معارف دارند البته باید همین طور باشد زیرا ایشان مدت زمانی است در امور وزارت معارف داخل هستند و با اطلاعات و تجارب مفیده که بدست آورده اند خدماتی کرده اند و وزارت معارف هم حقاً يك استفاده هائی از اطلاعات ایشان کرده و خواهد کرد اساساً مذاکره در بودجه معارف همان بود که گفته شد و پیشنهاد دولت هم راجع بوضع حالیه وزارت معارف است و در کمیسیون هم سابقاً اگر دفاع زیادی نشده و یا بعضی توضیحات کافی داده نشده شاید از حیث ملاحظات صرفه جوئی بوده ولی از آن وقتی که بنده وارد شدم و در این یکی دومرتبه که بنده را احضار فرمودند آنچه را که در نظر من بود عرض کردم و تا اندازه هم مساعدتهائی شده و بیش از این عقیده داشتم از طرف آقایان نمایندگان مساعدت شود ولی بالاخره برای اینکه زیاد تغییر و زبرد نشده باشد از طرف آقایان نمایندگان اعضاء کمیسیون اظهار امیدواری شد که هجالتاً این بودجه امساله است ولی اگر سال آتی بودجه جدیدی برای معارف نوشته شود پیشنهادهای مفید و لازمی که مربوط بمعارف و مدارس باشد مجلس مضایقه نخواهد کرد و بنده هم مخصوصاً باتکثیر کلاسهای مدارس که آقای تدین فرمودند موافق بوده و این را یکی از چیزهای حتمی میدانم و اینکه در این موقع اقدام نکردم برای این بود که تا موقع

تعطیل تابستان سال آتی کلاسها همین خواهد بود منتهی بعد از تعطیل تابستان باندازه که کلاسها اضافه میشود محل بودجه آنها تعیین خواهد شد و اگر از طرف وزارت معارف در این باب اظهاری نشده است نظر بامیدواری بوده است که در کمیسیون مذاکره شده و من تصور میکنم وقتش هم نگذشته و راجع بصحبه هم بودجه صحبه سابق از این مبلغی که حالا پیشنهاد شده خیلی کمتر بوده است و يك پیشنهاد اتی شده است و تا درجه اصلاح شده ولی اینکه در موضوع بودجه اداره صحبه مذاکره نشده و اسمی از آن برده نشده شاید برای صرفه جوئی بوده است چنانچه در موضوع آبله کربی هم که تاکنون مذاکره نشده است به همین جهت بوده است و باید در همه جای ایران اداره آبله کربی برقرار شود و از محل عشر نواقل که در این چند سال مرسوم بوده بودجه آن داده میشده حالا که منافع نواقل ببلدییه اختصاص داده شده باید ترتیب این کار هر طور مقتضی است داده شود در این جا بودجه آنها را هیچ داخل نکرده اند ولی البته ملاحظه بکنید که ترتیبی بر این کار داده شود و لطمه بحفظ الصحه وارد نشود

آقای زامحمد نجف - آقا خوب است بلند

تر بفرمائید که همه بشنویم.

وزیر معارف - در موضوع معلمین اروپائی هم همانطور که شاهدان حضرت الدوله اشاره فرمودند تصور میکنم معلمین اروپائی که بایران خواسته شده اند باین نظر بوده که بیابند و تدریس نمایند و همینطور هم بوده تدریس نموده اند و آثار خوبی از خود باقی گذاشته اند و آنها هم که حالیه هستند غالباً خوب هستند و در کار های خود ماهرند همه قسم از آنها استفاده کامل میشود البته در آتی هر قدر ترقیات مملکت زیاد تر بشود معلمین کامل تر خواهد شد و مدرسه آلمانی هم همانطور که مذاکره شد باعتباریکه برای مدارس خارجه پیشنهاد شده است چون دائر نبوده داده نشده ولی چون فعلاً مفتوح خواهد شد که ساعتی که باز شود علاوه بر آن اعتباریکه ذکر شده باید اضافه هم تصویب شود که بآن مدرسه داده شود و روی هم رفته بنده گمان میکنم در موضوع بودجه معارف اگر بخواهند باز مذاکراتی بکنند اهمیتی ندارد ولی نظریات آقایان با دولت اختلافی ندارد و دولت هم بودجه قلمی راهنوز پیشنهاد نکرده هم چنانکه حضرت والا اشاره فرمودند ممکن است در ضمن سال اضافه هم بشود و البته دولت همین قدر که در مسائل مالییه دقت کرد و دید يك پیشرفت هائی هست البته پیشنهاداتی خواهد نمود و تصور میکنم در بین سال کاملاً ترضیه خاطر آقایان و کلام بعمل خواهد آمد و در این موضوع گمان میکنم مشاجرات بیش از این زائد باشد .

رئیس - آقای امین الشریعه پیشنهاد کرده اند

مذاکرات کافی است کافی است یا کافی نیست ؟

(جمعی گفتند کافی است)

ملك الشعراء بهار - رأی بگیرند و با همین هنوز

يك كلمه حرف نزده اند ممکن است در جلسه دیگر حرف بزنند.

رئیس - جلسه را ختم میکنم بقیه مذاکرات بماند

برای جلسه آتی .

وزیر عدلیه - لایحه تقاضای اختیاری است برای اجرای قوانین عدلیه که تقدیم مجلس می شود. (آقای تدین بمضمون ذیل قرائت نمود)

ماده اول - بوزیر عدلیه اجازه داده می شود که کلیه قوانینی را که بمجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید بعد از تصویب کمیسیون عدلیه بمجلس شورای ملی موقتاً بموقع اجراء گذارده و پس از آزمایش آنها در عمل و تکمیل نواقص ثانیاً برای تصویب بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید.

ماده ۲ - این اجازه شامل قوانینی است که از تاریخ تصویب این لایحه تا شش ماه از طرف وزیر عدلیه بمجلس شورای ملی پیشنهاد می شود.

شیخ الاسلام اصفهانی - هر دو ماده مخالف قانون است.

رئیس - این لایحه گمان نمیکند محتاج بمراجعه کمیسیون باشد باید جزء دستور مجلس بشود جلسه آتی روز پنجشنبه دو ساعت بغروب و دستور آن اولاً رأی در باب لایحه که قرائت شد ثانیاً راپورت شعبه ششم راجع بآقای حاج میرزا عبد الوهاب نماینده همدان ثالثاً راپورت کمیسیون بودجه راجع بورثه مرحوم حاج شیخ محمد جواد رابعاً راپورت کمیسیون بودجه راجع بتهیه بودجه های مملکتی است.

نصرت الدوله - اجازه بفرمائید

رئیس - بفرمائید.

نصرت الدوله - بنده تصور میکنم چون لایحه بودجه خیلی طول کشیده و مذاکرات در اطرافش زیاد است اگر ممکن باشد لایحه بودجه را مقدم بر لایحه وزارت عدلیه قرار دهند شاید اغتنام وقتی نشود.

رئیس مخالفی نیست ؟

وزیر عدلیه - بنده مغالقم زیرا قانون ثبت اسناد و سایر قوانین دیگری تهیه شده و تصور نمیکند این لایحه وقت زیادی را اشغال کند ممکن است جزء دستور بگذارند اگر چه بنده هم با آقای مخبر کمیسیون بودجه موافقم که تصویب راپورت کمیسیون بودجه بتأخیر افتاد ولی چون این لایحه وقت زیادی لازم ندارد ممکن است مقدم باشد

رئیس - راجع بتقدم و تأخر در جلسه دیگر رأی می گیریم لایحه رسیده است راجع بقراری مستمری در حق ورثه مرحوم وقار الدوله بکمیسیون بودجه فرستاده می شود.

مجلس سه ساعت از شب گذشته ختم شد.

جلسه ۶۷

صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه

بیستم دلو هزار و سیصد و مطابق

یازدهم جمادی الثانیه

هزار و سیصد و چهل

مجلس یکساعت و نیم قبل از غروب در تحت

ریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید

صورت مجلس یوم سه شنبه هیجدهم دلورا آقای

تدین قرائت نمودند